

## فهرست‌نگاری و نسخه‌شناسی نسخ خطی فارسی در کتابخانه ملی پاریس

### شرکت‌کنندگان:

۱. آقای دکتر فرانسویس ریشار: مدیر بخش اسلامی موزه لوور پاریس و نسخه‌شناس و فهرست‌نگار نسخ خطی
۲. آقای دکتر محسن جعفری‌مذهب: عضو هیأت علمی کتابخانه ملی و پژوهشگر تاریخ
۳. آقای عمادالدین شیخ‌الحکمایی: پژوهشگر اسناد تاریخی مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران
۴. فریبا افکاری: کارشناس ارشد نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

### سرفصل‌های میزگرد:

۱. معرفی مجموعه نسخه‌های خطی فارسی موجود در کتابخانه ملی پاریس و چگونگی فراهم‌آوری آن
۲. بیان رویکردهای جدید در فهرست‌نگاری نسخ خطی و مسائل مربوط به آن
۳. بایسته‌های پژوهشی و نسخه‌شناسی در حوزه نسخ خطی

۱. کتاب ایرانی (مجموعه مقالات چهار کنفرانس، ایراد شده در ۱۹۹۸)، کتابخانه ملی فرانسه، ۲۰۰۳.
۲. خمسه نظامی، شاهکار نسخه خطی ایرانی سده هفدهم، پاریس، آنتز کتابخانه ملی، ۱۹۰۷.
۳. شکوه پارسی، نسخه‌های سده دوازدهم تا هفدهم، پاریس، کتابخانه ملی - لوسوی ۱۹۹۷.
۴. فهرست نسخه‌های فارسی، ج اول، مخزن قدیمی، پاریس، کتابخانه ملی، ۱۹۸۹.

وی هم اکنون جلد دوم فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس را در دست انتشار دارد و کتاب ارزشمند شکوه پارسی وی نیز با ترجمه آقای ع. روح‌بخشان به فارسی منتشر شده است.

وی همچنین برنده جوایز فراوانی در ایران بوده است که از آن جمله می‌توان به جایزه کتاب سال (بخش خارجی) در سال گذشته و تقدیر از وی در مراسم «حامیان نسخ خطی» ۱۳۸۴ در کتابخانه مجلس نام برد. نخستین دفتر جشن‌نامه‌های مرکز پژوهش میراث مکتوب نیز به وی اختصاص دارد. این کتاب که به مناسبت بیش از ۳۵ سال فعالیت نسخه‌شناسی و فهرست‌نگاری وی و نیز سپاس از خدمات ارزنده او در راه شناسایی آثار مکتوب زبان فارسی و ایران منتشر شده است در طی مراسمی در این مرکز به وی اهدا گردید و حاوی کارنامه و شرح احوال و آثار او و نیز شامل مقالاتی در مباحث کلی و تاریخی در حوزه نسخ خطی و فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی است که از سوی محققان و نسخه‌شناسان و صاحب‌نظران تالیف یافته و اخیراً به همت مرکز پژوهشی میراث مکتوب منتشر شده است.

در آخرین روز سفر کوتاه ایشان به ایران در یک روز جمعه قبل از بازگشت به پاریس فرصتی دست داد تا با ایشان ملاقاتی داشته باشیم و به گفت‌وگو بنشینیم. در این نشست آقایان دکتر محسن جعفری‌مذهب و عمادالدین شیخ‌الحکمایی نیز مرا همراهی کرده و با طرح سؤالات مناسب خود به غنای این گفت‌وگو افزودند که از آنان بسیار سپاس‌گزارم. امید است بیان دیدگاه‌های ارزشمند حاصل این نشست که عموماً به آشنایی با مجموعه نسخ خطی فارسی در کتابخانه ملی پاریس و روش ساماندهی و خدمات‌رسانی آن و نیز بیان دیدگاه‌های نسخه‌شناسی و کتاب‌شناسی آقای ریشار اختصاص یافته است برای علاقه‌مندان و خوانندگان محترم مفید واقع شود.

پروفسور فرانسویس ریشار، ایران‌شناس فهرست‌نویس و نسخه‌شناس برجسته در سال ۱۹۴۸ میلادی در پاریس متولد شد. پس از فراگیری ادبیات کلاسیک لاتین و یونانی به آموختن زبان فارسی و عربی در مدرسه زبان‌های شرقی پاریس اقدام نمود. در سال ۱۹۷۱ میلادی راهی ایران شد و در دانشگاه تهران به تحصیل در رشته ادبیات فارسی پرداخت و از این فرصت برای آشنایی بیشتر با زبان، ادبیات و فرهنگ ایران بهره برد. پس از آن به پاریس بازگشت، تحصیلات خود را در کتابداری تکمیل نمود و در همان جا به کتابداری مشغول شد. در سال ۱۹۷۵ میلادی در کتابخانه ملی پاریس به کار مشغول شد و خیلی زود مسؤولیت بخش نسخه‌های خطی فارسی و عربی این کتابخانه را عهده‌دار گردید. تدوین فهرست جدید نسخه‌های خطی فارسی که نخستین جلد آن در سال ۱۹۸۹ منتشر شد، حاصل خدمات وی در آن دوران است. از جمله پژوهش‌های فرانسویس ریشار بررسی روابط تاریخی ایران و اروپا و نیز خاورمیانه و اروپا است. وی در سال ۲۰۰۳ پس از بازنشستگی از کتابخانه ملی به سمت مشاور فرهنگی رئیس جمهور و ریاست بخش دوره اسلامی «موزه لوور» پاریس منصوب شد.

چندین کتاب و بیش از ۵۰ مقاله در حوزه‌های مختلف نسخه‌های خطی ایرانی و فرهنگ و تاریخ ایران تالیف کرده که در نشریات مختلف سراسر جهان منتشر شده است. آثار مهم او عبارت‌اند از:



**افکاری:** جناب آقای پروفیسور ریشار، شما تجربیات زیادی در حوزه‌های مختلف ایران‌شناسی، نسخه‌شناسی، کتاب‌شناسی، فهرست‌نویسی و ادبیات فارسی دارید و سال‌ها ریاست بخش نسخ خطی فارسی و شرقی کتابخانه ملی فرانسه را نیز عهده‌دار بوده‌اید. مجموعه نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس چگونه فراهم شده و از چه مجموعه‌هایی تشکیل شده است. آیا بیشتر اهدایی است یا خریداری شده است. سرنوشت بخشی از آن که هنوز فهرست نشده (جلد دوم نسخه‌های خطی فارسی) چه خواهد شد؟

**ریشار:** اگر بخواهم به طور مختصر به مجموعه کتابخانه ملی پاریس اشاره کنم، باید بگویم که این مجموعه یک کلکسیون قدیمی است و سابقه‌ای طولانی دارد و دارای حدوداً ۲۶۰۰ نسخه خطی فارسی و ۷۵۰۰ نسخه عربی است. باید گفت که از زمان لویی چهاردهم یک کتابخانه عمومی وجود داشته که دارای چند نسخه خطی بوده است. یعنی از سال ۱۶۶۵ تا حالا تقریباً در هر قرن بیش از ۱۰۰۰ نسخه خطی به این کلکسیون اضافه شده است.

اولین کلکسیون نسخه خطی در پاریس بوسیله کتابداران پادشاه گردآوری شده است و یک کلکسیون علمی بوده است و زمانی جمع شده که در پیروی از اومانیسیم رنسانس می‌خواستند تمام کتاب‌های دنیا را گردآوری کنند تا همه علوم دنیا را فراهم آورند و سپس اولین سفرهای مردم با سواد و فرهیخته به خاورمیانه صورت گرفت.

در پایان قرن ۱۶ میلادی یک نفر ایتالیایی به نام «وکتی» و بعداً افرادی که در سفارت‌خانه فرانسه در استانبول خدمت می‌کردند، دبیران و سفیرانی داشتند که معمولاً با سواد بودند و یا کشیش‌های کاتولیکی بودند که برای اتحاد کلیساهای «شورای کلیسای ترنت» به خاورمیانه رفته بودند. آن‌ها همه جا می‌رفتند و می‌خواستند تا آرامنه و دیگران را به کلیسای کاتولیک دعوت کنند. آن‌ها مقیم شهرهای خاورمیانه مثل استانبول، قاهره، حلب و از زمان شاه عباس کبیر مقیم اصفهان شدند. پس برای این افراد این امکان وجود داشته که کتاب‌های

خوب و نفیس را پیدا کنند و بخرند و به فرانسه و کشورهای دیگر اروپایی بفرستند تا بعد بتوانند به تحقیقات و جست‌وجو بپردازند و متن آن‌ها را چاپ کرده، بشناسانند یا ترجمه نمایند. در قرن ۱۷ فرانسه چند کلکسیون خصوصی وجود داشت. مثلاً فردی مثل «روشلیو» چند کتاب فارسی داشت. «کاردینال مازارن» نیز کتاب‌های فارسی داشت. یک مهرداد شاه فرانسه به نام «سه‌گیه» هم کتاب‌های خاورمیانه‌ای و مخصوصاً کتب فارسی زیادی داشته است. خود فوکه - که معروف است و توسط لویی چهاردهم محکوم شده - چند تا کتاب فارسی داشته است. در کنار آن، مردم طبقه متوسط جامعه فرانسه، مردم آکادمیک یا صومعه‌های مهم فرانسه کتاب‌هایی داشتند که از بین این‌ها می‌توان چند نفر را ذکر کرد که کتابخانه فارسی و عربی داشتند مثل «ژیلبر گولمن» یا «ولکیسه دکتیونو» که کتاب‌های زیادی چاپ کرده و قصد داشت تا برای انتشار کتاب‌های خاورمیانه‌ای چاپخانه‌ای در پاریس برپا کند.

غیر از این‌ها خیلی افراد دیگری مثل «آندره دوقیه» از اولین کسانی بود که در نیمه اول قرن ۱۷ کتاب‌های فارسی داشت. خیلی اسامی دیگر می‌شود ذکر کرد مثل درپلو که کتابخانه شرقی تأسیس کرده و از افراد گمنامی است که در آن زمان اهمیت داشته است. یا مثل فیلیپ فرانسوا بقینه که به هندوستان رفته بودند و یک تاریخ فارسی کشمیر آورده بودند. او مرتب پیش لافوتن می‌آمده و با هم صحبت می‌کردند. در بین افراد تحصیل کرده و طبقه بالای ادبیات فرانسه یک شناختی از ایران وجود داشت. بویژه با آمدن و سفر کردن افرادی مثل «تاورنیه» و «شاردن» و «پتی دو لا کرو» که مقیم اصفهان بوده‌اند. تمام این‌ها با هم مصاحبت داشتند و سعی می‌کردند چیزهایی چاپ کنند. مثلاً در سال ۱۶۴۰ وقتی که ترجمه انوار سهیلی چاپ شد این کتاب برای قشر تحصیلکرده فرانسه آنقدر اهمیت داشته که برای تألیفات ادبی خود از آن استفاده می‌کردند. و قبلاً ترجمه گلستان توسط آندره دوقیه در سال ۱۶۳۷ وجود داشته است و سپس مرتباً آثار فارسی ترجمه گردید. در نتیجه در سال ۱۶۶۸ کتابخانه ژیلبرگولمن که از فرهیختگان فرانسه بود، خریداری شد. وی هیچ گاه سفر نکرد، ولی سعی کرد کتاب‌های فارسی را بشناسد و جمع‌آوری کند. کتابخانه ملی فرانسه - که در آن زمان کتابخانه شاه بود - متون تاریخی، علمی، ادبی مهمی در برداشت. سپس «کولبر» وزیر بود که به کتاب‌های ملل مختلف بسیار علاقه‌مند بود. وی کتاب‌دوست بوده و برای او هر کتابی که به زبان فارسی بود جالب بود. وی فرمان داد تا از استانبول، کتاب‌های خطی را بخرند. نیمی برای خودش و نیم دیگر برای کتابخانه شاه. همین‌طور افرادی مثل آنتوان گلون در این کار شرکت داشتند.

شخص دیگری که نقش مهمی در خریداری کتاب «وانس لیوس» داشته و کتاب‌های بسیار نفیسی از مصر و حلب خریده و در اصفهان هم می‌زیسته «دولاکو» بوده است. در سال ۱۷۴۰، اولین فهرست نسخه‌های خطی شرقی که تنها قسمتی از آن مربوط به کتاب‌های خطی فارسی بود در کتابخانه شاه به چاپ رسید و شامل ۳۸۰ نسخه خطی فارسی بود. این فهرست به زبان لاتین و اولین فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه پاریس بود. در این زمان در کنار کتابخانه ملی، کتابخانه‌های دیگری نیز بودند که دارای کلکسیون فارسی بودند. مخصوصاً یک کتابخانه صومعه «پادریان بنه دکتین» که نامش «سن ژرمن دبره» است. سن ژرمن یک صومعه معروف راهبان بوده که با سوادترین راهبان فرانسه در آنجا بودند و مسؤولیت داشتند تا تاریخ فرانسه و تاریخ کلیسا را جمع‌آوری کرده و برای مردم و دولت فرانسوی‌نویسند

در این کتابخانه حدوداً ۱۲۰ نسخه خطی فارسی وجود داشت که از ترکیه، ایران یا مصر گردآوری شده بود. در این کتابخانه فرد مشهوری به نام «ژونودو» کار می‌کرد. وی هم صاحب اولین روزنامه فرانسه بود و هم خاورشناس و زبان‌های شرقی را آموخته بود اما هیچ وقت به خاورمیانه سفر نکرده بود. وی زبان فارسی و عربی و ارمنی و زبان‌های دیگر می‌خواند و سعی



ریشار:

در سال ۱۷۴۰، اولین فهرست نسخه‌های خطی شرقی که تنها قسمتی از آن مربوط به کتاب‌های خطی فارسی بود در کتابخانه شاه به چاپ رسید و شامل ۳۸۰ نسخه خطی فارسی بود. این فهرست به زبان لاتین و اولین فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه پاریس بود.



می‌کرد تا با آگاهی از این زبان‌ها توصیفات نسخه‌ها را خودش بنویسد.

**افکاری:** اسم این روزنامه چه بود؟

**ریشار:** لَکَزَت. این کتابخانه «سن ژرمن دبره» و چند کتابخانه دیگر که در پاریس بود، مثل «آرسنال» در زمان انقلاب فرانسه بسته شدند و تمام کتاب‌هایی که آنجا بود، در کتابخانه ملی و کتابخانه شاه سابق متمرکز شد. این شیوه تمرکز فرانسوی معروف است و تقریباً تمام نسخه‌های خطی که در کتابخانه‌های فرانسه موجود بود در یک جا جمع شد، یعنی در کتابخانه ملی «بیبیوتک ناسیونال».

**افکاری:** آیا قانونی وجود داشته است که تمام نسخه‌های خطی کتابخانه‌ها در یک جا متمرکز شوند؟

**ریشار:** خیر قانون نبوده، اما در زمان انقلاب در کتابخانه ملی دو سه نفری بودند که خیلی عاشق نسخ خطی بودند. از بین این‌ها سیلوستر دوساسی و لانگلس دو خاورشناس معروف بودند که فارسی و عربی بلد بودند. آن‌ها تحقیق می‌کردند و سعی داشتند تا تمام نسخه‌های خطی شرقی در یک جا گردآوری شود.

**جعفری مذهب:** مجلس ملی فرانسه و یا دولت فرانسه مصوبه‌ای نداشتند؟

**ریشار:** دستور دولت این بود که تمام کتاب‌ها باید در یک مرکز دولتی متمرکز شوند که به آن اصطلاحاً «دیو» می‌گفتند. چند تا «دیو» در پاریس وجود داشت که برای نسخه‌های خطی، بیشتر در کتابخانه ملی بود، و در استان‌ها هم وجود داشت. یک دیوی استانی تنها استثنایی که وجود داشت در مورد کتاب‌های دعا و دینی بود که لازم نبود جمع آوری شود. متأسفانه خیلی از کتاب‌ها این‌گونه گم شد و بسیاری از کتاب‌ها نیز توسط کسانی دیگر پیدا شد. خوشبختانه، انقلاب فرانسه سریعاً به امر جمع‌آوری کتب خطی فارسی و عربی کمک کرد و تحقیقات دانشگاهی و علمی بعد از انقلاب توانست بزودی شروع و متمرکز شود. اگر بخواهم آماری ارائه بدهم باید بگویم ۱۳۰۰ نسخه خطی فارسی در کتابخانه ملی در زمان انقلاب جمع‌آوری شد.

**افکاری:** بیشترین نسخه‌های خطی فارسی در چه دوره‌ای در فرانسه گردآوری شد؟

**ریشار:** دو دوره خیلی مهم بود، نخست اینکه اولین حرکت به سوی خاورمیانه بین سال ۱۶۶۰-۱۷۳۰ در زمان صفویه بود. در این زمان کتاب‌های خیلی کمی از ایران مستقیماً می‌آمد. بیشتر کتاب‌ها از هند، مصر، ترکیه و حلب می‌آمد و اعتقاد داشتند در اصفهان کتاب‌ها گران است و برعکس در استانبول، قاهره و حلب بازار ارزان‌تر بوده و مردم تحصیلکرده مرتب کتاب‌های فارسی قدیم را می‌فروختند.

**جعفری مذهب:** چون نمی‌دانستند یا نیازی نداشتند؟

**ریشار:** در کشور عثمانی افرادی که یک وظیفه دولتی داشتند برای مدت کوتاهی بودند و مردم تحصیل کرده وقتی که می‌مردند کتاب‌های اکثریت آنان فروخته می‌شد و در حراج‌ها دست‌به‌دستی‌گشت.

**افکاری:** اولین فهرست در سال ۱۷۴۰ تهیه شد؟

**ریشار:** بله دقیقاً ۱۷۳۹.

**افکاری:** فهرست‌های بعدی با چه فاصله زمانی منتشر شد.

**ریشار:** فهرست‌های بعدی، بعد از انقلاب توسط سیلوستر دوساسی شروع به نوشتن شد و بعداً توسط افراد فراموش شده‌ای مثل «رنو» که کار کردند، نوشتند، تنظیم کردند، شماره گذاشتند. در زمان ناپلئون سوم تصمیم گرفتند تمام نسخه‌های خطی کتابخانه ملی فهرست و چاپ شود. بنابراین برنامه‌ای ایجاد شد که کم‌کم فهرست‌ها چاپ شود.

نسخه‌های عربی توسط «دوسلن» که از انگلستان آمده بود و مقیم پاریس بود تهیه شد. برای نسخه‌های فارسی کسی به نام «فاینو» بوده که بعداً بعنوان استاد دانشگاه به الجزایر

**ریشار:**  
تقریباً تمام نسخه‌های خطی  
که در کتابخانه‌های فرانسه  
موجود بود در یک جا جمع  
شد، یعنی در کتابخانه ملی  
«بیبیوتک ناسیونال»



رفته و کار شروع شده او به دست «ادگار بلوشه» رسیده و بلوشه در پایان قرن ۱۹، کارهای خود را شروع کرد. بلوشه شاگرد «دارمستتر» بود. او زبان‌های ایرانی قدیم را خوب خوانده و عربی هم می‌دانست. وی مجبور بوده فهرست فارسی، ترکی، و ضمیمه فهرست عربی را چاپ کند. تا سال ۱۹۳۴ در کتابخانه ملی بعنوان کتابدار مسؤول کتاب‌های خاوری کار کرد و فهرست ۴ جلدی بلوشه، فهرست مختصری است از تمام عناصر که پیشینیان او مثل رنو یا فاینو استفاده نکرده‌اند و از کمک مرحوم «قزوینی» هم برای قسمت فهرست نسخه‌های خطی فارسی، استفاده کرده است، اما مشکلی که وجود داشت، این بود که برای جلد‌های اول از خطوط عربی استفاده کردند و هزینه زیادی صرف شد و بعدها تصمیم گرفتند که چون چاپ با خطوط عربی گران می‌شود، فقط به خط لاتین چاپ کنند. این نوع چیزها باید یادآوری شود تا بدانیم که فهرست بلوشه چه مشکلاتی داشته است.

دوره دوم، خریداری مهم نسخه‌های خطی فارسی از ۱۰ سال قبل از انقلاب شروع شده و تا پایان قرن ۱۹ یا جنگ بین‌المللی اول یعنی بیش از یک قرن بطول انجامید. در این زمان تعداد زیادی از کتاب‌های فارسی توسط افسران ارتش فرانسه که بعد از شکست فرانسه از هند به پاریس بازگشتند گردآوری شد. در بین این گروه چند نفری بودند که کتب فارسی خیلی خوبی داشتند بخصوص در تاریخ و علم. سپس ارتباط مستقیم‌تری با دولت ایران بویژه دولت قاجار برقرار شد. این ارتباط با آمدن سفیران فرانسه که یک مترجم همراه خود داشتند شروع شد. بعضی از این مترجمان بعداً استادان دانشگاه یا کالج دوفرانس شدند و در بین این‌ها این اهمیت داشته از جمله «گوینو» و مترجم او کتاب‌های خطی فارسی زیادی خریداری کردند.

**افکاری:** وی تصحیحات زیادی هم داشته است!

**ریشار:** بله. همین‌طور در حراج‌های پاریس کتاب‌های خاوری مرتب می‌آمد. و این کتابخانه توانسته زمانی که بودجه کافی در اختیار داشت، بهترین کتاب‌ها را بخرد. قبل از جنگ بین‌المللی اول یعنی حدوداً سال ۱۸۹۰ تا پس از آن، در پاریس چند نفر کتاب فروش و فروشنده کتاب‌های هنری وجود داشت که در حوزه تاریخ هنر ایران معروفند و از بین این‌ها چند نفر بودند که نسخه‌های خطی هم داشتند. تعداد زیادی از کتاب‌های خطی هنوز به کتابخانه عمومی نرسیده و در حال گردش هستند و دست به دست می‌شوند. هم‌چنین کسانی هم هستند که نمی‌دانند چه کتاب‌های مهمی در کتابخانه دارند.

بعد از جنگ بین‌المللی اول، مشکلات مالی و از دست رفتن بسیاری از جوانان فرانسه باعث شد که کتابخانه کمی را کد بماند، اما یک برنامه فهرست‌نویسی بعد از جنگ جهانی دوم دوباره شروع بکار کرد. این برنامه شامل نسخه‌های خطی یونانی و شرقی نیز می‌گردد.

اولین فهرست چاپ شده نسخه‌های خطی شرقی فهرست نسخه‌های خطی سانسکریت بود که توسط یک استاد بزرگوار فرانسوی به نام «فیلیوزا»، چاپ شده که او در این فهرست به تاریخ کتاب که از کجا آمده و توسط چه کسی خریداری شده نیز توجه بسیار دقیقی داشت.

**افکاری:** یعنی اولین بار ایشان برخی مسائل نسخه‌شناسی و تاریخ انتقال کتاب را مطرح کردند؟

**ریشار:** بله. یعنی در حوزه نسخه‌های خطی خاوری و فهرست‌های چاپ شده آن‌ها فیلیوزا، اولین کسی بوده که مسائل مهمی را مطرح کرد. او می‌خواست روش کار فهرست‌نگاری برای نسخه‌های خطی شرقی همان باشد که در بهترین فهرست‌های نسخه‌های خطی یونانی و لاتین بکار می‌رفت. او خود سعی کرد همان روش را برای فهرست سانسکریت استفاده کند. برای نسخه‌های عربی کسی که بعد از جنگ شروع بکار کرد، «جورج ویدا» بود که متخصص ادبیات عرب و عبری بود، اما هیچ وقت فهرست عبری چاپ نگردد.

خوشبختانه چند جلد فهرست جدید نسخه‌های خطی عربی تا فوت آقای ویدا چاپ شد که بعداً توسط همکاران و دوستان من که در حال حاضر در کتابخانه در زمینه نسخه‌های خطی



عربی فعالیت دارند، این کار ادامه یافت. بتدریج برای فهرست‌نویسی عربی عناصر نسخه‌شناسی نیز در فهرست‌ها وارد شد. البته آقای ویدا که کتاب‌شناس خوبی بود، فکر می‌کرد که بیشتر عناصر نسخه‌شناسی لازم نیست، اما مجبور شد که این کار را بکند و مفصل‌تر انجام بدهد. شخص دیگری هم در زمینه نسخه‌های خطی عربی به نام «توبو» تحقیق کرد که حاصل آن دو جلد فهرست نسخه‌های خطی عربی است. ایشان هم سعی داشت تا عناصر کدیولوژی (نسخه‌شناسی) را وارد فهرست بکند. و یادم هست که زمانی که می‌خواست این کار را بکند ریاست کتابخانه گفت که این کار خیلی طولانی می‌شود و باید زودتر چاپ شود. بعدها آقای «دروش» فهرست قرآن‌های کریم کتابخانه خطی پاریس را چاپ کرد که البته خوشبختانه به ایشان از این حرف‌ها نزدند و محدودیتی نداشتند.

ریشار:

من در فهرست پاریس سعی

کردم که یک فهرستی برای

تمام نسخه‌ها بنویسم که

با سادگی مراجعان بتوانند

به سایر نسخه‌های خطی

مراجعه بکنند و بخصوص

درباره نسخه‌های فهرست

نشده، این کار خیلی کمک

می‌کند.

باید گفت که متخصصان نسخه‌های خطی یونانی اصرار زیادی داشتند که فهرست نسخه‌های خطی باید کتاب مفصلی باشد و هر برگ از نسخه با دقت توصیف شود. مخصوصاً متخصصان نسخ خطی در آلمان یا اتریکان که می‌توانند درباره توصیف یک نسخه ۳۰ تا ۱۰۰ صفحه بنویسند، مثلاً نسخه‌های در اتریکان هست که در یک جلد بسیار کلفت معرفی شده است. آنان معتقد بودند که در مورد نسخه‌های خطی عربی و فارسی نیز از همین روش باید کم و بیش پیروی بشود.

**شیخ‌الحکمایی:** اعتقاد خود شما چیست؟ یعنی شما واقعاً معتقدید که باید به همان شکل مفصل عمل کرد یا باید مرحله‌بندی کرد، مثلاً بنا را بر این بگذاریم که یک فهرست اجمالی داشته باشیم و بعد یک فهرست تفصیلی داشته باشیم که در ۳ مرحله یا حتی ۴ مرحله انجام شود؟ شما در سخنرانی خود در «مؤسسه میراث مکتوب» هم به این مسأله اشاره کردید که استفاده از رایانه و سرعت نباید اصل موضوع را زیر سؤال ببرد. دوست داشتم در این زمینه هم به تفصیل صحبت کنید.

**ریشار:** بله اگر نگاه عمیق‌تری به این مسأله بکنیم، من با نمونه فهرست نسخه‌های خطی لاتین کتابخانه ملی می‌توانم جواب دهم این مشکلات زیاد پیش آمده است. متخصصان بهترین استفاده را برای جمع‌آوری اطلاعات درباره متون و عناصر مختلف ارائه تصویر و این‌ها کرده‌اند. سپس تصمیم گرفتند که یک روش مختصر نیز ایجاد کنند. (البته یک طرح دقیق برای چاپ کردن یک جلد باید داشته باشند). نظر بنده این است که باید یک محدودیت وجود داشته باشد. باید تمام نسخه‌ها را به یک روش توصیف کرد. وقتی قرار است اطلاعات زیادی درباره یک نسخه خطی نوشته شود، باید آن اطلاعات را در یک مقاله و بصورت جداگانه در جایی چاپ کنیم و مراجعه‌کنندگان به فهرست می‌توانند ارجاع آن مقاله را در فهرست پیدا کنند. در این صورت یک فهرست حجیم نمی‌شود. همین‌طور با یک کتاب‌شناسی مربوط به هر نسخه خوب لازم نیست به طور تکراری اطلاعاتی را که از همه جا پیدا شده دوباره بنویسند در این صورت سرعت کار بالا می‌رود. حالا با استفاده از رایانه استفاده از فهرست و یافتن کتاب‌شناسی‌ها ساده‌تر شده است. من نمی‌دانم در آینده چه می‌شود، ولی حالا بهترین روش این است که بخش کتاب‌شناسی بگذاریم. اگر یک جا درباره یک متن مفصل نوشته شده، نباید تمام عناصر را تکرار کنیم.

آقای اشکوری در مراسم «حامیان نسخ خطی» گفتند که این اطلاعات باید به روشی باشد که یک تصویری از آنچه در نسخه هست را نشان بدهد. مثلاً اگر نسخه‌ای از بوستان سعدی هست باید بنویسیم سعدی، بوستان و لازم نیست که تمام عناصر دیگر را تکرار کنیم. اما اگر ویژگی خاصی داشته باشد مثلاً می‌گوییم که در بوستان دو باب اضافی در این نسخه وجود دارد. البته این را باید در توصیفات نوشت یا باید با علامات بسیار مشخص این توصیفات را بیان کرد. برای متون کم‌شناخت و یا چاپ نشده، البته می‌توان به باب‌ها و تاریخ آن اشاره کرد. یعنی اطلاعات کتاب‌شناسی به طور مختصر نوشته شود و یا اگر این نسخه با نسخه‌های دیگر فرق دارد به طور مختصر باید به آن اشاره کنیم.



**افکاری:** یعنی بیشتر باید به توصیفات خاص هر نسخه بپردازیم؟

**ریشار:** بله، خود شما هم اگر چیزی پیدا کردید می‌توانید به طور مختصر قید کنید، ولی اگر اطلاعات در نسخه‌ها زیاد بود به نظر من یک مقاله تهیه کنید. و برخی نکته‌ها مثلاً جایجایی ورق‌ها در کتاب که باید در بخش نسخه‌شناسی بیان شود. یک چیز دیگر درباره کتاب‌شناسی آن است که طبق گفته آقای اشکوری لازم نیست که فرمول‌های تکراری بگذاریم باید علائم بسیار مشخصی باشد که همه کس بتواند استفاده کند. وقتی که آغاز یک نسخه‌ای مثل نسخه پیشین است باید به توصیف مراجعه کنیم. نه مطالب را تکرار کنیم. اگر صد تا شاهنامه فهرست می‌کنیم اگر وقت نداریم لازم نیست اولش را بخوانیم.

من در فهرست پاریس سعی کردم که یک فهرستی برای تمام نسخه‌ها بنویسم که بسادگی مراجعان بتوانند به سایر نسخه‌های خطی مراجعه بکنند و بخصوص درباره نسخه‌های فهرست نشده، این کار خیلی کمک می‌کند.

**افکاری:** لطفاً برگردیم به تاریخچه نسخه‌های خطی کتابخانه پاریس که شما خیلی دقیق و جالب آن را روایت کردید. شما از چه زمانی مسؤولیت بخش نسخ خطی را پذیرفتید و در چه زمانی فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی را شروع کردید و تا چاپ اولین فهرست چه مدت طول کشید؟ بدین معنا که بین فهرست بلوشه و چاپ اولین فهرست شما چه قدر فاصله بود؟

**ریشار:** بله همیشه کسی بوده که مسؤولیت داشته و البته بیشتر افرادی که مسؤولیت داشتند یا کتابدار نبودند یا مسؤولیت نسخ فارسی، مسؤولیت و کار اصلیشان نبوده است. اما چند نفر کار کردند، مثلاً آقای «تکمیل همایون»؛ ایشان زمانی در پاریس کار می‌کرد و وظیفه ایشان خریداری کتاب یا فیش‌نویسی بود. چون در آن زمان همه، کتاب‌های چاپی فهرست می‌کردند. اکثریت این‌ها با خریداری کتاب چاپی و فیش‌نویسی سروکار داشتند.

**افکاری:** آقای دکتر تکمیل همایون در کتابخانه ملی مسؤولیت اداری داشتند یا کتابدار آنجا بودند؟

**ریشار:** مسؤولیت اداری داشتند. خودشان کتابدار نبودند، اما به نوعی کمک کتابدار بودند.

**جعفری مذهب:** منظورتان کارورز پاره‌وقت است؟

**ریشار:** بله، البته کسان دیگری هم بودند. بنده در سال ۱۹۷۴ به کتابخانه معرفی شدم و مستقیماً مرا به بخش فارسی فرستادند داستان عجیبی بود برای اینکه رئیس کتابخانه ملی آن زمان مرا به اداره خود صدا کرد و گفت: خوش آمدید. شما را به بخش نسخه‌های خطی می‌بریم و مسؤول نسخ فارسی می‌کنیم.

**افکاری:** احساس شما در آن زمان برای آن که در بخش خطی کار کنید چه بود؟

**ریشار:** خیلی برای من تازه بود. می‌ترسیدم یعنی ممکن بود مرا به کتاب‌های عربی یا چاپی یا روزنامه بفرستند. آن زمان بیشتر به روزنامه‌ها می‌فرستادند.

**افکاری:** بر چه اساسی شما را برای این بخش انتخاب کردند آیا با توجه به تحصیلات شما بود؟

**ریشار:** هم باتوجه به تحصیلات، و هم با توجه به چیزهای دیگر. باید یک داستان را برایتان تعریف کنم. من قبل از رفتن به مدرسه کتابداری و دادن کنکور مخصوص با رئیس بخش نسخه‌های خطی که آشنای یکی از اقوام من بوده در مترو برخورد کردم. به من گفت: چرا تو پیش ما نمی‌آیی؟ تو فارسی خوانده‌ای! ما به تو احتیاج داریم و به رئیس کتابخانه گفته بود اگر او پیش من باشد خوب است. و بعد من به کتابخانه ملی پاریس رفتم. وقتی که من آمدم حس تنهایی داشتم. اولین کاری که کردم یک نگاه کوتاه به تمام نسخه‌های خطی کردم و در یک دفتر آن‌ها را با شماره همراه با چند یادداشت کوچک نوشتم تا یک دید کلی از این دوهزار و چند نسخه داشته باشم.



### افکاری: مگر قبل از شما این‌ها در دفتر ثبت نشده بود؟

**ریشار:** ثبت شده بود، ولی یک دفتر جداگانه‌ای برای نسخه‌های خطی فارسی نبود. یعنی دفتر ثبت کل نسخه‌های خطی پاریس فرانسه بود که شامل اسناد نیز می‌باشد. پس این‌طور علامت می‌گذاشتم. البته این روش قدیمی بود. حالا این کار را با رایانه می‌کنند. سپس شروع کردم به نگاه کردن به کارهای دیگران. یعنی آن‌هایی که نسخه‌های خطی عربی کار می‌کردند مثل آقای ویدا و همکارانش و هم کسانی که در مورد نسخ لاتین و یونانی کار می‌کردند. یک کاری را هم شروع کردم که در آن زمان معمول نبود. یعنی نگاه کردن به تذهیب و تصویر. برای اینکه سابقاً در این مورد اطلاعاتی نمی‌دادند، مثلاً هیچ نوع اطلاعاتی در فهرست نسخه‌های خطی لاتین دربارهٔ تزیینات و حروف تذهیب وجود نداشت. زمانی که در کتابخانه بودم، شخصی در بخش نسخه‌های اروپایی بود که متخصص برجسته نسخه‌های خطی مصور بود که نوشتن فهرست نسخه‌های مصور - و فقط هم دربارهٔ تذهیب - را آغاز کرده بود.

نمی‌دانم چرا این موضوع را از فهرست نسخه‌های خطی جدا کرده بودند. من فکر کردم اگر این کار را بکنم کار تمام نشدنی می‌شود. برای اینکه پاریس خیلی نسخه‌های مصور و تذهیب‌دار دارد و در فهرست من هم باید تمام اطلاعات درباره تصویر گذاشته شود، البته به شیوه‌ای مختصر نه بصورت یک رسالهٔ دکتر. مثلاً اینکه اندازه و اطلاعات بعدها به نسخه اضافه شده یا نه؟ یک امضا یا یادداشت در ورقهٔ فلان وجود دارد. این نوع اطلاعات، فنی است نه علمی. و چیزهای دیگر هم مورد استفادهٔ من بود. بنده شانس آوردم که با آتلیهٔ مرمت خیلی ارتباط داشتم و با کسانی که دربارهٔ تعمیر کاغذ و جلد کار می‌کردند. دوستی داشتم - وقتی که در مدرسه کتابداری بودم - رسالهٔ کوچکی دربارهٔ یک سری جلد‌های فرانسوی رنسانس نوشته بود. بنابراین برای من تجربه‌ای خیلی خوبی بود که دیدم روش بسیار کاربردی قابل استفاده‌ای است و من می‌توانم آن روش را در نسخه‌های خطی خاوری هم بکار ببرم. یعنی ترنج و جلد را توصیف کنیم و بگوییم اندازهٔ آن‌ها چقدر است. و اگر دو ترنج در جاهای مختلف پیدا می‌شود آیا صددرصد همان است یا خیر؟ پس فکر می‌کنم که این تجربه‌ها برای من ۱۰ سال طول کشید.

### افکاری: ۱۰ سال طول کشید تا فهرست جلد اول را بنویسید؟

**ریشار:** بله طول کشید. یعنی شروع کردم دربارهٔ هر نسخه یادداشت جمع کنم، ولی نتوانستم توصیفات کافی بنویسم. ریاست بخش هم به من می‌گفت که باید شروع به کار کنید و یک برنامه دقیق‌تری داشته باشید. من اول با ضمیمه کار می‌کردم. یعنی ضمیمه‌ای که الان در حال چاپ شدن است.

### شیخ‌الحکمایی: البته آن‌ها هم سعهٔ صدر زیادی در طول ۱۰ سال داشتند.

**افکاری:** بله، البته آقای ریشار مسؤولیت‌های موازی زیادی هم داشتند، مثل مسؤولیت بخش خطی و اداری آن در کتابخانهٔ پاریس. بنابراین می‌بایست تمرکز کافی هم برای این کار داشته‌باشند.

**ریشار:** البته مطالب زیادی نوشته بودم، ولی تصمیم گرفته شد که قسمت قدیم کلکسیون را که از سال ۱۷۴۰ مورد توصیفات لاتین بوده و بعداً بلوشه نگاشته است را دوباره فهرست کنم. متأسفانه بلوشه توصیفات خوبی نداشته است (به نظر من بدترین توصیفات دربارهٔ این قسمت بود). پس من بخود گفتم باید بطور مفصل نسخه‌ها را فهرست کنم و شروع کردم به کار و در سال ۱۹۸۹ چاپ شد.

**افکاری:** فهرست بلوشه چقدر در این راه به شما کمک کرد. آیا شما مجبور شدید نسخ خطی را دوباره با دید و اطلاعات خودتان فهرست کنید؟

**ریشار:** این عجیب است. فهرست بلوشه به نظر من بعضی وقت‌ها خوب است و برخی

**ریشار:**  
لازم نیست که فرمول‌های  
تکراری بگذاریم باید  
علائم بسیار مشخصی  
باشد که همه کس بتواند  
استفاده کند. وقتی که آغاز  
یک نسخه‌ای مثل نسخهٔ  
پیشین است باید به  
توصیف مراجعه کنیم. نه  
مطالب را تکرار کنیم. اگر  
صد تا شاهنامه فهرست  
می‌کنیم اگر وقت نداریم  
لازم نیست اولش را  
بخوانیم





مواقع صددرصد نادرست است و گاهی اوقات خواسته که مردم گم شوند مثل اینکه بلوشه خواسته در کار، سابقه خوبی نشان دهد و بعضی مواقع نظر شخصی را درباره متن یا نویسنده می نویسد.

**افکاری:** به نظر شما نیازی هست که اشتباهات بلوشه در جلد جداگانه‌ای چاپ شود یا اینکه در فهرست شما آن اطلاعات تکمیل شده است؟

**ریشار:** باید اطلاعات از نو جمع آوری شود، می شود یک تصحیح درباره فهرست بلوشه نوشت. من دیدم که این امکان ندارد و شروع کردم به فهرست کردن ۳۸۰ نسخه کلکسیون قدیم. در آن زمان درباره تاریخ و سابقه کتاب‌ها خیلی کار کردم. خیلی جالب بود و بنده که همیشه به تاریخ فرانسه قرن ۱۷ علاقه داشتم و کسانی بودند که در قسمت زبان‌های اروپایی که همین زمینه را خوب می شناختند تحقیق می کردند و با هم همکاری خیلی خوبی داشتیم و هنوز هم داریم. این تحقیق و همکاری مثلاً درباره پیدا کردن کتبی که پیش فلان فرد فاضلی در آن زمان بوده است می شد و ببینیم فلان کتابخانه شامل چه کتاب‌هایی بوده، دارای چه مبادلاتی بوده و چه استفاده‌ای از کتاب‌ها کرده بودند. یا مثلاً این یادداشت‌های حاشیه از کیست؟

بعد از سال‌ها و سال‌ها نه همه این یادداشت‌ها را بلکه اکثریت آن‌ها را می شود به کسی منسوب کرد و آن را بچاپ رساند. بعداً وقتی که مقدمات اولیه را تمام کردم شروع کردم به بازبینی یادداشت‌هایی که درباره نسخه‌ها نوشته بودم و نسخه‌های تکراری کتابخانه را بترتیب شماره مشخص کردم. همین طور درباره تاریخ هر نسخه‌ای توانستم تحقیقات جالبی انجام دهم.

**افکاری:** آیا همه نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس در جلد دوم شما معرفی می شوند یا هنوز مقداری از نسخه‌ها باقی می ماند؟

**ریشار:** یک قسمت دیگر باید نوشت که هنوز به صورت یادداشت است و از شماره ۱۰۰۰ تا پایان کلکسیون است که امیدوارم در پیری بتوانم آن را تمام کنم. شاید هم کسی دیگر بیاید و کار من را تصحیح بکند و بگوید این چقدر بد کار کرده است؟

**جعفری مذهب:** جانشین شما الان چه کسی است؟

**ریشار:** در حال حاضر هیچ کس، پس بین بلوشه و بنده هم فاصله وجود آمد. می خواستم درباره ضمیمه بگویم که چیزهای جالبی پیدا کردم. مثلاً درباره کتابخانه‌های هندوستان زمان مغول، مهرها، یادداشت‌ها، عرضه داشت‌ها، بسیار جالب بود.

**افکاری:** آیا قصد دارید تا این مطالب نسخه‌شناسی را که بسیار نیز مهم می باشند در کتابی جداگانه چاپ کنید؟

**ریشار:** من سعی کردم این اطلاعات در فهرست معلوم شود. مثلاً وقتی که یک مهر مغول است یک پرنتر گذاشتم و در آن توضیح دادم که با مراجعه به چند نسخه دیگر توانستم همان مهر را پیدا کنم.

من می خواستم در صورت امکان عکس‌های دیجیتالی هر چه بیشتری از چیزهای مهمی که در فهرست هست و در جلد اول نتوانستم منتشر کنم در جلد دوم بیاورم. جلد اول نسبتاً تازه بود. در پاریس اجازه چاپ این ویژگی‌ها برای نسخه‌های لاتین داده نشد، اما برای نسخه‌های فارسی، خانمی که مسؤول چاپ فهرست‌ها بود و دوست من بود، اجازه داد که ۴ صفحه عکس در انتهای کتاب بگذارم و توانستم تاحدی از یادداشت‌ها و شماره‌های قدیم تصویری منتشر کنم. درباره تاریخ خریداری کتاب هم اطلاعات خوبی پیدا کردم، به علت اینکه تعدادی از این کتاب‌های خطی در قرن ۱۹ در حراج بوده، مثل اینکه آقای جعفری مذهب فرمودند بعضی مواقع دیده شده که قبل از بودن در فلان حراج در حراج دیگری بوده و بعضی وقت‌ها در حراج سوم هم بوده است. مثلاً تعداد زیادی از نسخه‌های خطی پاریس در دست انگلیسی‌ها

**ریشار:**  
بنده شانس آوردم که با  
آتلیه مرمت خیلی ارتباط  
داشتم و با کسانی که  
درباره تعمیر کاغذ و جلد  
کار می کردند. دوستی  
داشتم - وقتی که در مدرسه  
کتابداری بودم - رساله  
کوچکی درباره یک سری  
جلدهای فرانسوی رنسانس  
نوشته بود. بنابراین برای  
من تجربه‌ای خیلی خوبی  
بود که دیدم روش بسیار  
کاربردی قابل استفاده‌ای  
است و من می توانم آن  
روش را در نسخه‌های خطی  
خاوری هم بکار ببرم





**ریشار:**

قدیمی‌ترین نسخه  
خطی فارسی در مجموعه  
نسخه‌های خطی عربی هست  
و یک رساله پزشکی ناشناخته  
است که متعلق به سال پانصد  
و اند قمری است و به خط  
مؤلف می‌باشد.

بوده که بعداً در پاریس فروخته شده‌اند. این انگلیسی‌ها بیشتر از کمپانی هندی کلکته بودند. خیلی جالب بود که مثلاً نسخه‌ای در حراج منچستر بوده و پیش از آن در سال ۱۸۰۷ آن را از «بنارس» آورده بودند. تحقیقات جالبی شروع کردم که ناتمام ماند. البته باید گفت که این نوع جست‌وجو درباره سابقه کتاب‌های خطی همیشه ناقص می‌ماند. هم‌چنین درباره عثمانی‌ها می‌شود کارهای جالب انجام داد. برای اینکه ما این شانس را داریم که یک کتاب نفیس که در واقع شناسنامه عثمانیه است از «محمد ثریا» که در استانبول و قبل از زمان آتاتورک چاپ شده در دست داریم. در این کتاب نام تمام افرادی که در دولت عثمانی وظیفه رسمی داشتند با نظم الفبایی ذکر گردیده است. وقتی که به نسخه‌های خطی ترکیه نگاه می‌کنیم، مهرهای زیادی وجود دارد که اسامی عثمانی و تاریخ دارند. اکثریت این مهرها و کتاب‌ها را می‌توان در سجل عثمانیه یافت و تاریخی که روی مهر است نشان می‌دهد که این کتاب در چه تاریخی به چه کسی رسیده است. بعضی از آن‌ها گاه چند مهر مختلف داشته‌اند. البته هر وقت از یک جا به جای دیگری می‌رفتند یک مهر جدیدی می‌ساختند. بیش از یک پنجم این مهرها را من توانستم پیدا کنم. فکر می‌کنم کار جالبی است و می‌دانم که در ترکیه هم اکنون این کار را آغاز کرده‌اند و در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی هم که کتاب‌های زیادی از ترکیه دارد می‌شود همین کار را کرد.

**جعفری مذهب:** شما با فهرست‌نویس ترکی هم کار می‌کردید؟

**ریشار:** من با رئیس سلیمانیه رابطه دارم.

**جعفری مذهب:** نه، مگر خود کتابخانه ملی پاریس کتاب‌های ترکی‌اش را فهرست نمی‌کند؟

**ریشار:** یک فهرست وجود دارد که خود بلوشه انجام داده و از کارهای فارسی خیلی بهتر است، اما چاپ فهرست نسخه‌های خطی ترکیه مشکلات مختلفی دارد از جمله آنکه اسناد آن خیلی زیاد است، یعنی جلدهایی است که بیشتر مجموعه اسناد است و بیشتر نیاز به فهرست‌نویسی اسناد دارد تا نسخ خطی.

**شیخ الحکمایی:** از نظر زمانی قدیمی‌ترینشان مربوط به چه زمانی است؟

**ریشار:** قرن ۹ تا ۱۱ یعنی زمانی که فرانسه در استانبول سفیر داشته و در مصر کنسولگری داشته و در کشورهای عربی هم.

**شیخ الحکمایی:** یعنی اسنادی است که مربوط به رابطه بین فرانسه و عثمانی است؟

**ریشار:** بله به سیاست، تجارت، مسائل جنگی و همه چیز مربوط است. درباره روابط ایران و ترکیه اسناد خیلی کم است و سایر نسخه‌های خطی ترکی خیلی هستند که کتاب‌های فرهنگ دوزبانه، سه زبانه، و ... از جمله آن‌ها است. خیلی جالب‌اند، اما مثل کتاب‌های فارسی احتیاج به فهرست‌نویسی کلاسیک ندارد و باید یک فهرست اسناد برای آن‌ها نگاشت.

**افکاری:** آقای ریشار من مطلع شدم مجموعه‌های خطی فارسی هم توسط ایرانی‌ها به کتابخانه ملی فرانسه اهدا شده است. مثلاً مجموعه‌ای که شهید نورانی از نامه‌های صادق هدایت اخیراً به کتابخانه ملی فرانسه داده‌اند. لطفاً بفرمایید چه مجموعه‌های اهدایی دیگری توسط ایرانی‌ها به بخش فارسی کتابخانه ملی اهدا شده است؟

**ریشار:** باید گفت که خیلی کم است و فقط مجموعه نامه‌ها است که البته در کلکسیون پاریس منحصر بفرد است. به طور کلی بیشتر کتاب‌های متون داریم و به استثنای یک سری نامه‌های زمان قاجاریه که نشانگر ارتباط آن‌ها با شخصیت‌هایی است که با کتابخانه ارتباط داشتند. چیز دیگری نیست.

**افکاری:** آیا این نامه‌ها در پاریس منتشر شده است؟

**ریشار:** بله. دوبار منتشر شده و در چاپ دوم با دو نامه اضافی به چاپ رسید. پس از این اهدا من نمی‌دانستم چه کار کنم ما که اسناد امروزی را جمع نمی‌کردیم، اما این فرصتی برای



ما بود تا در مورد سیاست جمع‌آوری ادبیات امروزی ایرانی تأمل کنیم که البته این چیز مهمی است. مثلاً بسیاری از مردم یا ایرانیانی که مقیم اروپا و فرانسه هستند یا خودشان مؤلف هستند یا با مؤلفان و نویسندگان ارتباط دارند نمی‌دانند چگونه و به کجا کتاب‌های خود را اهدا کنند یا بفروشند این مشکل حل نشده است.

**افکاری:** قدیمی‌ترین نسخه خطی فارسی در کتابخانه پاریس چه نسخه‌ای است؟  
**ریشار:** قدیمی‌ترین نسخه خطی فارسی در مجموعه نسخه‌های خطی عربی هست و یک رساله پزشکی ناشناخته است که متعلق به سال پانصد و اند قمری است و به خط مؤلف می‌باشد.

**افکاری:** مؤلف این رساله چه کسی است؟  
**ریشار:** نجاری؟ اگر اشتباه نکنم: این نسخه چند باب به زبان عربی و دوباب به زبان فارسی دارد.

**افکاری:** متعلق به قرن ششم هجری است؟  
**ریشار:** بخش ادویه آن به زبان فارسی است و یک باب دارد و بیشتر فنی است.  
**جعفری مذهب:** کتاب‌های دیگری که مشابه این باشد داریم که دو زبانه باشد؟  
**افکاری:** یعنی بعضی از فصول به فارسی و بعضی به عربی باشد؟  
**ریشار:** من ندیدم. در آن نسخه‌های قدیم شاید باشد اما بدون تاریخ. می‌توان به برخی فرهنگ‌های عربی با ترجمه فارسی اشاره کرد که همه دارند. اما از این دست کتاب‌ها خیلی کم است.

**شیخ‌الحکمایی:** من مجدداً همان سؤال را می‌خواهم مطرح کنم که با توجه به حجم عظیم از نسخه‌های خطی موجود حتی در کتابخانه‌های رسمی مان که هنوز شناسایی و فهرست نشده، غیر از نسخه‌هایی که هنوز در مجموعه‌های خصوصی یا در دست مردم است. آیا می‌شود فهرست‌برداری از نسخ خطی را در دو مرحله یا سه مرحله انجام دهیم و معتقد باشیم که فی‌المثل یک فهرست اجمالی با این استاندارد (که مثلاً باید شامل این پنج اطلاع باشد)، نوشته شود و سعی کنیم این کار در یک مرحله انجام پذیرد چون در همین حدش می‌تواند نیاز خیلی‌ها را برآورده کند، مثلاً کسی که دارد یک نسخه را تصحیح می‌کند فقط می‌خواهد بداند نسخه مورد نظر او در کجا هست دیگر احیاناً در مرحله اول به بقیه اطلاعات نیاز ندارد. الان کاری که آقای اشکوری بعنوان روششان مطرح کردند با کار کامل‌تری که شما انجام می‌دهید یا استاد حائری انجام می‌دهند در واقع به یک شکل دیده می‌شود اما اگر تعریفی متفاوت ارائه بدهیم و بگوییم که این مرحله اولی است که باید انجام دهیم و آن کار در مرحله بعدی قرار دارد که حداقل اگر کسانی خواستند وارد این عرصه شوند بدانند که این دو مقوله جدا هستند.

سؤال دیگر این است که آیا ما می‌توانیم به سمت تخصصی کار کردن در مورد نسخه‌ها برویم؟ مثلاً از نظر علمی می‌شود ادعا کرد یک نفر هم می‌تواند متخصص نسخه‌های پزشکی هم متخصص نسخه‌های فلسفی و هم متخصص نسخ ادبی باشد. یا از نظر زمانی یک نفر فقط متخصص نسخه‌های قبل از مغول و یک نفر فقط متخصص دوره صفوی باشد. یا مثلاً نسخه‌های هنری را یک نفر خاصی کار کند. یا حتی کتاب‌شناسی را از نسخه‌شناسی جدا کنیم. یک عده فقط کتاب‌ها را از نظر نسخه‌شناسی بررسی کنند و یک عده در جهت کتاب‌شناسی فعالیت کنند. می‌خواهم بدانم این کار چقدر عملی است و چقدر ضرورت زمانه است اصلاً می‌شود به آن فکر کرد یا نه؟

**ریشار:** جواب دادن به این سؤال بسته به اینکه شما در کشور فرانسه باشید یا در ایران، فرق می‌کند. بنده در یک کتابخانه کار می‌کردم که تعداد کمی از نسخه‌های خطی یا تصحیح شده و مورد تحقیق قرار می‌گرفته و یا چاپ می‌شدند. در طی قرون در فرانسه متخصصان



شیخ‌الحکمایی:

آیا می‌شود فهرست‌برداری از نسخ خطی را در دو مرحله یا سه مرحله انجام دهیم و معتقد باشیم که فی‌المثل یک فهرست اجمالی با این استاندارد (که مثلاً باید شامل این پنج اطلاع باشد)، نوشته شود و سعی کنیم این کار در یک مرحله انجام پذیرد چون در همین حدش می‌تواند نیاز خیلی‌ها را برآورده کند



بیشتر درباره تاریخ کار می‌کردند. آنان از روی نسخه‌های خطی پاریس و لندن و برلین استفاده می‌کردند. پس تعداد زیادی از متون از روی نسخه‌های خطی این طور شناخته شدند سپس تعداد بیشتری هم توسط دوستان ایرانی مورد تحقیق قرار گرفتند. آنان برای اخذ دکترا به فرانسه می‌آمدند یا برای تحصیلات بعد از دکترا که به دنبال این متون بودند. بعنوان نمونه درباره ادبیات فارسی و دیوان‌ها از روی نسخه‌های خطی فارسی تحقیقات خود را چاپ می‌کردند. این طوری شد که چند دهه پیش یک کلکسیون میکروفیلم‌های نسخه‌های خطی پاریس در کتابخانه مرکزی تهران جا پیدا کرد. پس وضع کلکسیون پاریس این طور بود که تمام اطلاعات پراکنده که در مورد نسخه‌های خطی کار شده در توصیفات جمع شود.

به طور کلی می‌توان گفت که متون موجود شناخته شده بودند. البته اشتباهات درباره مؤلف و متن و ... در فهرست بلوشه کم نیست که باید تصحیح شود. برای نسخه‌های تازه خرید شده مقاله آقای دکتر افشار وجود داشته که دفتری با تصحیحات مفید کپی کرده بود. پس این کار مقدماتی برای من ضرورت اولیه نبود، ولی برای ایران صددرصد فرق دارد.

مرحله اول لازم در ایران این است که باید تمام موجودی نسخ خطی و تمام نسخ خطی مجموعه‌های خصوصی شناسانده شود و با دقت و کامل منتشر شود. حتی یک اطلاع مختصر در باره تاریخ یا کاتب نیز که مفید می‌باشد. حس من در این باره که دور از اینجا زندگی می‌کنم این است که خیلی مشکل است که تمام این اطلاعات را جمع کنیم. وقتی که درباره یک متن کار می‌کنیم، اگر بخواهیم بدانیم چه نسخه‌های دیگری از آن وجود دارد باید به تمام کلکسیون‌های تازه پیدا شده و تازه معرفی شده رجوع نماییم و این خیلی کار مشکلی است که فکر کنیم باید حتی به مقاله‌ای هم که در نامه بهارستان چاپ شده و یک کتابخانه را معرفی کرده و ممکن است در آن نسخه مورد نظر ما وجود داشته باشد، نگاه کنیم.

**افکاری:** پس نیاز به یک فهرست مشترک در هم کرد کامل داریم.

**ریشار:** بله، پس باید تمام اطلاعات این مقالات در یک جا متمرکز باشد یا یک روشی پیدا کنیم که ما مسؤولان این گنجینه‌ها بتوانیم از آن‌ها استفاده کنیم تا دوباره یا به طور تکراری مجبور نشویم که روی یک متن کار کنیم که قبلاً کسی یکی دو سال پیش مثلاً در همدان روی آن کار کرده است. در ضمن مبادله فهرس باید مرتب‌تر باشد. ما با آقای فرانسویس دروش اخبار نسخه‌های خطی را چاپ می‌کنیم که این نوع اطلاعات را بدهد. البته در حال حاضر توقف یافته، ولی دوباره روی اینترنت از پایان دسامبر شروع خواهد شد که البته تمام اطلاعات کامل نیست و فقط بخشی از اطلاعات در آن است و تمام فهرست‌ها معرفی نمی‌شود. به نظرم این شاید جواب سؤال آقای شیخ الحکمایی نیست ولی عنصر جواب است. و این پیش نیاز فهرست‌نویسی است.

**افکاری:** طرحی که شما و آقای دروش انجام می‌دادید فکر می‌کنم، گردآوری تمامی نسخه‌های خطی فارسی و عربی موجود در جهان تا قبل از قرن ۹ بود؟

**ریشار:** بله. اما ما در آغاز وقتی که کار می‌کردیم می‌خواستیم همراه این فیش‌ها بتوانیم نشریه اخبار را ۴ بار در سال از فهرست‌های جدید در آن بولتن معرفی کنیم. خوشبختانه در ایران این اطلاعات وجود دارد، ولی خارج از ایران کم اطلاع‌رسانی می‌شود. اینجا آنقدر مقالات و مجله‌های زیادی دارید که ما متأسفانه در خارج خیلی کم از آن اطلاع داریم و ما می‌بایست در سال چند بار اینجا بیاییم تا ببینیم چه چیزی تازه چاپ شده. البته صد در صد معتقدم که باید هر چه زودتر یک کلکسیون خاص برای این کتاب‌ها معرفی شود.

**شیخ الحکمایی:** حتی اگر ۲۰ درصد اطلاعاتش هم درست نباشد؟ مثلاً اگر بخواهند در یک فهرست اجمالی سریعاً اسم یک کتاب، کاتب و تاریخش را بنویسند، اگرچه ممکن است آن اسم غلط باشد، ولی بهر حال همین که ۸۰ درصد اطلاعات را می‌تواند در اختیار محققان

**ریشار:**  
مرحله اول لازم در ایران این است که باید تمام موجودی نسخ خطی و تمام نسخ خطی مجموعه‌های خصوصی شناسانده شود و با دقت و سرعت با اطلاع کتاب‌شناسی مختصر ولی کامل منتشر شود. حتی یک اطلاع مختصر درباره تاریخ یا کاتب نیز که از ملزومات اولیه است مفید می‌باشد



قرار دهد، می‌تواند مقدمه‌ای برای کارهای بعدی باشد. و در مورد تقسیم‌بندی تخصصی نظر شما چیست؟

**ریشار:** دوستان ما در روسیه تخصص داشتند، مثلاً وقتی که فهرست تاشکند را نگاه می‌کنیم می‌بینیم که متخصصانی بودند که تنها کتاب‌های علمی را توصیف می‌کردند و یا بعضی دیگر کتاب‌های ادبی، تاریخ و غیره. در پایان فهرست امضای هر متخصص در پای توصیف کتاب‌ها وجود داشت. در آلمان هم برخی اوقات این کار را کرده‌اند. باید بگویم به کاری که در آلمان روی نسخ خطی انجام شد و فهرست‌هایی که با جلد‌های سیاه رنگ منتشر گردید باید خیلی اعتنا کرد. خیلی کار جالبی است برای اینکه یک برنامه‌ریزی کلی در آلمان وجود دارد که تحت ریاست موزه اسلامی برلین است و یک کمیسیون وجود دارد که درباره فهرست‌نگاری نظر می‌دهد و برای متخصصان تقسیم کار می‌کند. اما اشکال این است که بین توصیف‌ها خیلی فرق وجود دارد. ما در پاریس تجربه‌ای درباره کتاب‌های خطی لاتین که دربارهٔ مواضع کلیسایی قرون وسطایی بود داشتیم و با یک کنش هم‌کاری کردیم. با اینکه او متخصص بود، اما چون از کتابخانه نبود، دربارهٔ آنچه که باید در فهرست باشد، خواسته‌های بسیار تندی داشت و به نسخه‌شناسی علاقه‌ای نداشته و برای خود جداگانه کار می‌کرد و کسانی که می‌بایست با او همکاری بکنند نتوانستند با او کار مشترک انجام بدهند بنابراین در چاپ فهرست‌ها اشکال پیش آمد.

**شیخ‌الحکمایی:** اگر قبلاً به سمت همین نمونه فرم‌هایی برویم که استاد افشار در جشن نامه شما ارائه کرده‌اند، یا به سمت تخصص‌هایی برویم که آن‌ها را بتوان از جهت روش کار به هم نزدیک کرد چطور؟

**ریشار:** باید یک روش هم‌کاری با متخصصان پیدا کنیم و این البته وظیفه کتابدار است که ایجاد می‌کند که مثلاً وقتی که در تالار مطالعه نسخه‌ها حضور دارد بتواند با مراجعه‌کنندگان متخصص دوستی و ارتباط داشته باشد و این پایهٔ اولیهٔ یک هم‌کاری خوب است. وقتی کسی می‌تواند به شما کمک کند، می‌توانید از این هم‌کاری در تکمیل فهرست استفاده کنید. مثلاً به او می‌گویید تو می‌توانی به من اطلاع بدهی؟ یا می‌تواند بعداً وقتی که قراردادی داشته باشد، هم‌کاری کند باید با هم نزدیک یک میز بنشینیم. من فکر می‌کنم کار گروهی خیلی بهتر است.

**جعفری مذهب:** مثلاً می‌تواند به طور مشترک باشد یا یادداشتی به نام آن فرد متخصص؟  
**ریشار:** بله یادداشتی به نام فرد هم از بهترین روش‌هاست. جواب دیگر این است که ما نمی‌توانیم متخصص همه فنون باشیم. این خطرناک است که بعد از چند وقت ما کتابداران تصور می‌کنیم همه چیز را می‌دانیم باید کمی بیشتر فروتنی داشته باشیم. البته ما می‌توانیم یک کتاب را با سرعت آنالیز کنیم. بعضی مواقع در مدت یک روز می‌توانیم بفهمیم که در یک کتاب چه مطالبی هست، چگونه تقسیم شده؟ و دارای چه نواقصی است؟ اما یک نظر عمیق و علمی نمی‌توانیم بدهیم باید به یاد داشته باشیم که هر چه دیدیم می‌توانیم دوباره بشناسیم. حالا که البته برخی مواقع به یک متن برخورد می‌کنیم که نمی‌دانیم به یک اسم دیگر و با شناسایی یک مؤلف دیگر وجود دارد. اما وقتی موضوعی در تخصص ما نیست ممکن است در هنگام فهرست‌نویسی اشتباهات بزرگی بکنیم که خطرناک است.

**افکاری:** در باب نسخه‌های هنری من فکر می‌کنم در کنار فهرست‌نویس باید حتماً یک کارشناس هنری باشد که به توصیف ویژگی‌های هنری نسخه بپردازد و با سبک‌ها و اصطلاحات هنری آشنا باشد و بتواند به فهرست‌نگار مشاوره خوبی بدهد. آقای ریشار شما هم به همین موضوع اشاره کردید که فهرست‌نگار باید کار خودش را بکند و از طریق یادداشت‌های تخصصی که از متخصصان موضوعی می‌گیرد به بیان ویژگی‌های خاص هر نسخه بپردازد. مثلاً در فهرست‌نویسی قرآن‌ها و کتاب‌شناسی قرآن‌ها یکسان است، احیاناً



#### افکاری:

در باب نسخه‌های هنری من فکر می‌کنم در کنار فهرست‌نویس باید حتماً یک کارشناس هنری باشد که به توصیف ویژگی‌های هنری نسخه بپردازد و با سبک‌ها و اصطلاحات هنری آشنا باشد و بتواند به فهرست‌نگار مشاوره خوبی بدهد.



بخشی از سور را شامل می‌شود چیزی که باعث تمایز این گونه نسخه‌ها می‌شود نسخه‌شناسی خاص آن‌ها، در واقع ویژگی‌های تزئینی و تذهیبی است که در این فهرست‌ها وجود دارد، ولی متأسفانه ما شاهد کمترین توصیفات هنری در مورد نسخه‌های مصور هستیم و حتی اصطلاحات نسخه‌شناسی مدونی برای توصیف نسخه‌های مصور وجود ندارد تا براساس آن‌ها بتوان نسخه‌ای را توصیف کرد و این امر موجب شده تا هر کسی با سبک و شیوه و سلیقه شخصی خود نسخه‌ها را توصیف کند و این فقر اطلاعات مکتوب نسخه‌شناسی شاید یکی از مهم‌ترین مشکلاتی است که ما هنوز در آن احساس کمبود می‌کنیم.

#### افکاری:

متأسفانه ما شاهد کمترین توصیفات هنری در مورد نسخه‌های مصور هستیم و حتی اصطلاحات نسخه‌شناسی مدونی برای توصیف نسخه‌های مصور وجود ندارد تا براساس آن‌ها بتوان نسخه‌ای را توصیف کرد و این امر موجب شده تا هر کسی با سبک و شیوه و سلیقه شخصی خود نسخه‌ها را توصیف کند و این فقر اطلاعات مکتوب نسخه‌شناسی شاید یکی از مهم‌ترین مشکلاتی است که ما هنوز در آن احساس کمبود می‌کنیم.

**جعفری مذهب:** با اینکه همه کتابخانه‌ها و کتابدارها باید تأکید بکنند که ما باید روش یکسان داشته باشیم تا نسخه‌ها را فهرست کنیم، اما به نظر می‌رسد که روش استاندارد و یکسان بعضی چیزها را از بین می‌برد، یعنی ذوق فهرست‌نویس را. بعضی فهرست‌هایی که نوشته می‌شود بخصوص در مورد فهرست‌های فارسی موکول به ذوق است. فرض بفرمایید جلد ششم کتابخانه مجلس که مرحوم سعید نفیسی آن را فهرست کرده و صلاح دانسته همیشه انجامه‌ها را به طور کامل بیاورد، ولی فقط در حد یک جلد بوده است. یا فرض کنید که در مورد فهرست فارسی مصر بیشتر به جنبه‌های هنری نسخه توجه شده و به کتاب‌شناسی تقریباً توجه نشده است بلکه فهرست‌نگار بیشتر به رنگ، کاغذ و تزئینات و جنبه‌های تصویری علاقه‌مند بوده است این فهرست نویسی یکسان آن ذوق فهرست‌نویس را از بین نمی‌برد؟

**ریشار:** البته باید به نظر کتابداران بیشتر اعتنا داد، ما باید امکانات بیشتری داشته باشیم تا از دیگران که در این زمینه کار می‌کنند یاد بگیریم. این طور شاید برای مشکلات کمبود اصطلاحات راه‌حلی بیابیم. من در مورد اصطلاحات هنری می‌دانم که کسانی هستند که قرار است فهرست اصطلاحات هنری فارسی و فرانسه را تهیه کنند. اما در حال حاضر این راهنما و فرم خیلی کمک می‌کند، البته کامل نیست. ما همیشه وسوسه داریم که کارمان خوب و کامل منتشرشود.

**شیخ‌الحکمایی:** به نظر می‌رسد که باید به این سمت رفت، اما باید به خطراتش هم توجه داشته باشیم. اما اگر به این سمت نرویم هیچ‌گاه به وجوه مشترکی نمی‌رسیم؟

**ریشار:** البته ما برای تزئینات و تذهیب به راهنمایی احتیاج داریم و باید فرم مخصوصی تهیه کنیم. امروزه با امکان استفاده از عکس‌های دیجیتال باید بتوانیم تصاویر خوب انتخاب کنیم و اصطلاحات هنری تدوین کنیم که هر کس بتواند آن را قبول کند. این دقت علمی باید همیشه هدف ما باشد. البته وقتی درباره فهرست مجلس صحبت است این نمونه خوبی است که کار کسانی هست که بیشتر علاقه‌مند و متخصص بودند نه کتابدار که زیر نظر یک نفر کار بکنند. بهترین فهرست می‌تواند یک همکاری چند نفره باشد، اما باید تحت مسؤولیت کسی باشد که مرتب کار کند و اجازه ندهد آدم‌ها و خودش خارج از برنامه و طرح بروند. البته من در مورد نسخه‌های مصور در پاریس یک تجربه‌ای دارم که تمام تصاویر نسخه‌های خطی در پاریس اعم از لاتین، یونانی و غیره... در یک سایت اینترنتی توصیف می‌شوند با وصف‌علامات توصیف می‌شود که مثلاً مدخل اسب داریم و تمام مینیاتورهای اسب ذیل آن می‌آید. این تحقیق متعلق به یک شخصی است که ۲۸ سال است روی این پروژه کار می‌کند. وی شروع به تدوین یک فرهنگ اصطلاحات کرده که مورد استفاده همه باشد که مثلاً توصیف این صحنه باید به این اسم نامیده شود.

#### افکاری: استانداردی برای توصیف مجالس و مینیاتورهای نسخه‌های خطی؟

**ریشار:** بله و بعداً استانداردهای دیگر را نیز اضافه کرده. که مثلاً در کجاها نباید تاریخ بگذارند و فقط ذکر قرن کافی است و غیره... اول ما این نظر را قبول نمی‌کردیم بعداً دیدیم تشخیص تاریخ دقیق همیشه ممکن نیست.

**افکاری:** اسم این فرد متخصص چیست؟



**ریشار: آقای «آنیل»** که کارمند کتابخانه ملی پاریس است.  
**شیخ‌الحکمایی:** البته در ایران نیز کار گروهی بسیار مشکل است.

**جعفری مذهب:** می‌خواهم سؤالی را دربارهٔ هویت فردی و جمعی نسخه‌های خطی مطرح کنیم. به این صورت که کار فهرست‌نویس از زمانی شروع می‌شود که به کتابخانه‌ای می‌رود و کتاب‌هایی در جلوی چشم هست اگر یک کتاب را بردارد و در داخلش شناسنامه‌ای باشد. یعنی مهر مالکیت، که از کجا آمده، یادداشت مالکیت قبلی. شما این را در فهرست‌نویسی وارد می‌کنید در حال حاضر نسخه‌های خطی دو وضعیت بیشتر ندارند و سؤالم در مورد وضعیت سومی است که می‌خواهم مطرح کنم.

یا کتابخانه یا مجموعه‌های هدایی و فروشگاهی کسی را به کتابخانه‌ای بررسی می‌کنیم در یک جلد خاص، مثلاً کتابخانه مجلس، مجموعه طباطبایی که شامل ۳۰۰ یا ۵۰۰ کتاب است که بعنوان یک مجموعه بررسی می‌کنیم، ولی غیر از آن هویت فردی نسخه‌ها را در نظر می‌گیریم. اما برخی مواقع نسخه‌ها همدیگر را تکمیل می‌کنند به این معنا که اگر ما از یک نفر که وارث یک مجموعه‌ای است دو تا کتاب خریدیم اطلاعات حاشیه هر کدام می‌تواند آن یکی را تکمیل کند. اما ما در هیچ جای نسخه خطی نمی‌گوییم از یک جا خریداری شده پس اصطلاحات این‌ها را نمی‌توانیم کنار هم بگذاریم بلکه پراکنده است. یعنی ما باید یک جایی در فهرست‌نویسی بگذاریم که فکر می‌کنم جای آن هم در فهرست‌نویسی ایران و هم در فهرست‌نویسی شما (فرانسه) خالی باشد. معمولاً کتابخانه‌ها نمی‌گویند نسخه‌های خودشان را چگونه تهیه کرده‌اند. یعنی نام دلانشان، فروشنده‌گان خودشان، قیمتشان، از چه شهری تهیه شده است. مثلاً اگر ما دو نسخه مجزا را که الان در فهرست‌نسخ خطی جدا کار می‌کنیم اگر بیاییم بگوییم این‌ها هر دو در اصفهان خریداری شده، در یک سال از یک نفر و در یک سال دیگر از فلان کس اطلاعات داخلی این‌ها که در فهرست شما می‌آید مکمل هم خواهد شد. ولی ما این نکته را در نظر نمی‌گیریم یعنی برای نسخه‌های خطی هویت در نظر می‌گیریم مثل مجموعه طباطبایی یا مجموعه مشکات. هیچ گمان نمی‌کنیم که کتاب‌های فردی یک هویت جمعی هم دارند چه راهی برای این می‌توانید پیشنهاد کنید؟

**ریشار:** البته این یکی از مشکلات بزرگ ما هست اولاً: بعضی از کتابخانه‌ها نمی‌خواهند بگویند چقدر برای یک نسخه پرداخته‌اند فقط برای کتاب‌های دو قرن پیش قیمت را اعلام می‌کنند. اما وقتی که یک چیز یا نسخه تازه خریداری می‌شود نمی‌توانیم و یا اجازه نداریم و یا نمی‌شود اطلاعات را بیان کرد. البته وقتی که فهرست چاپ شده کتابفروشان وجود دارد باید به فهرست فروشنده مراجعه کنیم. این کار به طور کلی اشکالی ندارد مثلاً اگر یک مجموعه اثری هست بعضی وقت‌ها می‌توانیم و برخی مواقع نمی‌توانیم اطلاعات را بیان کنیم اما وقتی که وارث اجازه می‌دهد بهتر است بگوییم که چگونه و از کجا کتاب‌ها را خریده یا تهیه کرده‌ایم.

**افکاری:** برای نشر برخی اطلاعات باید از وارث کتاب اجازه بگیریم؟

**ریشار:** بله، حتماً با نظر موافق آن‌ها باید باشد. البته قوانین کشورها با هم متفاوت است.  
**جعفری مذهب:** فرض بفرمایید یک مجموعه‌ای با ۹۰ نسخه خطی برای کتابخانه ملی خریداری شود تقریباً ۷۰ تا از این کتاب‌ها یا ترکی بودند یا جلد ترکی و خط ترکی داشتند یا مهرهایی که نشان می‌داد از عثمانی وارد ایران شده و بیست تا از این‌ها، این را نداشتند و اگر ما به یک صورتی مجاز باشیم که بگوییم این ۹۰ کتاب را با هم خریداری کرده‌ایم، می‌توانیم از کوچک‌ترین قرائتی که در آن ۲۰ نسخه که به ترکیه ربط ندارد و بدانیم این‌ها در میان کتاب‌هایی بوده که از ترکیه آمده است و اطلاعاتی بدست می‌آوریم که در نگاه اول به چشممان نمی‌خورد، ولی اگر شما بگویید از ترکیه پیدا شده حالا هر یادداشتی قرینه‌ای می‌شود که سرنوشتش را بهتر بدانیم. چه کار کنیم که ما یک اثری در فهرستمان بگذاریم که نه اسم دلال، نه اسم وارث، نه قیمت را ببریم ولی بگوییم این ۷۰ تا با هم هستند؟



**جعفری مذهب:**

اما برخی مواقع نسخه‌ها همدیگر را تکمیل می‌کنند به این معنا که اگر ما از یک نفر که وارث یک مجموعه‌ای است دو تا کتاب خریدیم اطلاعات حاشیه هر کدام می‌تواند آن یکی را تکمیل کند. اما ما در هیچ جای نسخه خطی نمی‌گوییم از یک جا خریداری شده پس اصطلاحات این‌ها را نمی‌توانیم کنار هم بگذاریم بلکه پراکنده است. یعنی ما باید یک جایی در فهرست‌نویسی بگذاریم که فکر می‌کنم جای آن هم در فهرست‌نویسی ایران و هم در فهرست‌نویسی شما (فرانسه) خالی باشد



**ریشار:** بله، می‌شود این را گفت. البته من روی نسخه‌های خریداری شده در قدیم بیشتر کار کرده‌ام همیشه باید گفت که این مجموعه همراه و همزمان خریداری شده و باید گفت یک روش دیگر وجود دارد که تاریخ خرید و یا محل خریداری نسخه‌ها را به گونه‌ای بیان کرد. پس می‌بینیم که اطلاعات کامل می‌شود.

**جعفری مذهب:** یعنی این‌ها را هم باید به آیتم‌های فهرست آقای افشار افزود؟  
**ریشار:** بله شاید.



**افکاری:** بیان تاریخ انتقال نسخه و ویژگی‌های آن بسیار مهم است. من به یاد تلاش استاد زنده یاد مرحوم دانش‌پژوه می‌افتم که در مورد برخی نسخه‌های خریداری شده یا هدایی به کتابخانه مرکزی همین کار را کرده‌اند. مرحوم دانش‌پژوه با نکته‌بینی عمیق در مقدمهٔ فهرس مجلدات دانشگاه به شماره‌ها و تعداد نسخی که از مرحوم باستانی‌راد، نصیری و دیگران خریداری شده اشاره کرده‌اند و حتی در برخی موارد که مهر فروشنده یا یادداشت مالک بر آن نبوده است، اما ایشان با قراین نسخه‌شناسی و تطبیق با دیگر نسخ دریافت‌اند که ممکن است این نسخه نیز از مجموعهٔ همان نسخ باستانی‌راد یا نصیری باشد به آن اشاره کرده‌اند. طبیعتاً همان گونه که آقای دکتر جعفری مذهب فرمودند آگاهی از تاریخ و چگونگی انتقال نسخ موجب می‌شود تا تحلیل و برخورد ما با آن کتاب متفاوت شود یا دنبال چیز دیگری در آن کتاب بگردیم که تا قبل از این برای ما اصلاً مهم نبود.

**ریشار:** بله برخی اطلاعات کوچک مثلاً تاریخ خریداری نسخه‌ها، در این صورت خیلی مهم می‌شوند. با ذکر این گونه اطلاعات، من فکر می‌کنم صددرصد مطمئن می‌شویم. پس با یک علامت پرسشی می‌توان ابتدا فرض کرد که امکان دارد این کتاب جزو آن مجموعه باشد. دربارهٔ کلکسیون‌های قدیم انگلیسی‌هایی که در فرانسه خریداری شد همین طور بوده است که وقتی من در دفتر ثبت دیدم که برخی نسخ در همان تاریخ وارد کتابخانه شد یا تاریخ‌های نزدیک به آن هست، من سعی کردم ببینم که آیا این نسخه‌ها از یک جا می‌آید یا نه؟ مطمئن شدم که باید بیشتر جست‌وجو کنم و شانس آوردم که به کمبریج بروم و با دوستانم که مسؤول نسخ خطی آنجا بود صحبت کردم و اطلاعات بیشتری گرفتم.

**شیخ‌الحکمایی:** فرض کنید من به کتابخانه مرکزی می‌روم تا به هر دلیلی نسخه‌ای را ببینم آیا به نظر شما فایده‌ای دارد و می‌شود که من بدانم که چه کسانی قبل از من به این نسخه مراجعه کرده‌اند؟ به نظر من خیلی مهم است که بدانیم چه کسانی، در چه زمانی نسخه را با چه هدفی دیده‌اند. چه بسا عده‌ای، زمانی همین نسخه را گرفته و قصد داشته کاری را رویش انجام دهند یا چاپ شده یا نیمه تمام رها شده است. مراجعه‌ای که او کرده برای من می‌تواند مفید باشد آیا در کتابخانه شما چنین چیزهایی ثبت شده است؟

**ریشار:** می‌دانید از این نظر وضع کتابخانه پاریس خیلی بد است. در لهستان و روسیه وقتی که کسی می‌خواهد یک نسخه خطی بخواند در داخل نسخه یک ورقه هست که اسم و تاریخ می‌گذارند و ایشان امضا می‌کند و درون نسخه‌ها هم یک برگه هست که اگر عکسی از نسخه گرفته شده، نشان می‌دهد چه کسی آن را گرفته. در فرانسه مشکل است و به طور کلی دوست ندارند این اطلاعات را بدهند و این نوع برگه نیز وجود ندارد. البته در آرشیو کتابخانه تمام فیش‌های درخواست را از اول حفظ می‌کنند. اما جست‌وجو کردن خیلی وقت می‌گیرد.

**شیخ‌الحکمایی:** البته می‌تواند چنین برگه‌ای باشد، ولی لزوماً این برگه را در اختیار کسی قرار ندهند جز در مواردی که لازم است.

**ریشار:** صد در صد قبول می‌کنم خیلی فکر خوبی است. البته حالا با رایانه می‌توانیم روشی پیدا کنیم که این اطلاعات را حفظ کند. باید با دقت این کار را انجام داد چون در رایانه برخی مواقع چیزهایی گم می‌شوند. از نظر عکسبرداری هم سعی می‌کنیم از تمام نسخه‌ها عکسبرداری کنیم. ما برخی اوقات وقتی که یک عکس دیجیتالی یا یک میکروفیلم از تمام

**افکاری:**  
بیان تاریخ انتقال نسخه و ویژگی‌های آن بسیار مهم است. من به یاد تلاش استاد زنده یاد مرحوم دانش‌پژوه می‌افتم که در مورد برخی نسخه‌های خریداری شده یا هدایی به کتابخانه مرکزی همین کار را کرده‌اند.  
آگاهی از تاریخ و چگونگی انتقال نسخ موجب می‌شود تا تحلیل و برخورد ما با آن کتاب متفاوت شود یا دنبال چیز دیگری در آن کتاب بگردیم که تا قبل از این برای ما اصلاً مهم نبود.





نسخه داریم، کارهای قبل از آن را فراموش می‌کنیم. این هم به نظر من خیلی بد است. چون می‌بینیم که خیلی از ورق‌های نسخه از بین رفته است. من فکر می‌کنم روش روس‌ها بهترین روش است.

**افکاری:** سابقه تهیه میکروفیلم یا CD از نسخه هم نشان‌دهنده سابقه استفاده کسانی است که به نسخه رجوع کرده‌اند یا درخواست بخشی از کتاب را داشته‌اند. نسخه دانشنامه فارسی که من شخصا از کتابخانه ملی پاریس آن را درخواست کردم حتی میکروفیلم هم نداشت یعنی نشان می‌داد که هیچ کس تا آن زمان کپی آن را درخواست نکرده است. اما نمی‌توانیم بفهمیم که مثلاً کسی از روی آن استنساخ نکرده است! ما در دانشگاه تهران کم و بیش به این روش نزدیک شدیم که برای هر نسخه یک فرم نظر کارشناسی داریم. و در مورد تقاضای کسانی که کپی یا میکروفیلمی از نسخه تقاضا کرده‌اند، می‌دانیم در چه تاریخی و به چه منظوری چه بخشی از نسخه در اختیار آن‌ها قرار گرفته، مثلاً برای پایان نامه یا کار تحقیقی و یا تصحیح و چاپ؟ به هر حال می‌بایست هر کتابخانه‌ای بانک دیجیتالی از نسخ مورد استفاده و محققان خود تهیه کند تا از بسیاری از تصحیحات و تحقیقات موازی و تکراری جلوگیری شود.



**شیخ‌الحکمایی:**

به نظر من خیلی مهم است که بدانیم چه کسانی، در چه زمانی نسخه را با چه هدفی دیده‌اند.

چه بسا عده‌ای، زمانی همین نسخه را گرفته و قصد داشته کاری را رویش انجام دهند یا چاپ شده یا نیمه تمام رها شده است.

مراجعه‌ای که او کرده برای من می‌تواند مفید باشد آیا در کتابخانه شما چنین چیزهایی ثبت شده است؟

**شیخ‌الحکمایی:** وضعیت اسناد در کتابخانه شما به چه شکل است؟ چه تعداد است؟ در فهرست‌ها به آن‌ها چه نوع توجهی شده است؟

**ریشار:** در پاریس اسناد فارسی خیلی کم داریم. فقط تعدادی نامه‌های مربوط به کمپانی فرانسوی هندوستان قرن ۱۷ و ۱۸ وجود دارد که در فهرست با دقت شرح داده نشده و همین‌طور برخی نامه‌های مربوط به اسکندر که در اینجا کنسول بوده نامه‌های جالبی بوده که من برای دوستان روسی خود به صورت میکروفیلم تهیه کرده‌ام که اطلاعات خوبی می‌دهد. اما به طور کلی دارای فهرست خاصی نبوده است این کلکسیون آنقدر مهم نیست که بصورت جداگانه فهرست شود برعکس نسخه‌های ترکی که به فهرست جداگانه نیاز دارند. من می‌دانم که جناب عالی درباره طرح و فرم توصیف اسناد خیلی کار کرده‌اید و این امر ما را به مسئله چاپ کردن فهرستی خاص مهرها، نمونه‌های خطوط قدیم بیشتر توجه می‌دهد.

**جعفری مذهب:** در سفر قبلی که به ایران داشتید من درباره نسخه‌های خطی‌ای که ما باید برای نسخه‌شناسی داشته باشیم و نسخه‌شناسی بتواند احتمالاً پاره‌شان کند و برای آزمایش وجود داشته باشد با جناب عالی صحبت کردم. شما این موضوع را عجیب دانستید. من آن را تبدیل به مقاله‌ای به نام «نسخه‌های آزمایشگاهی» کرده و در مجله نامه بهارستان منتشر ساختم. همان‌طور که می‌دانید نسخه‌های زیادی هست که بی‌شناسنامه و بی‌اول و آخر است. یعنی این‌ها را کسی نمی‌خرد. اما این‌ها به درد این کار می‌خورد، یعنی به درد کاغذشناس، نسخه‌شناس، جلدشناس، چسب‌شناس، مرکب‌شناس. نظر شما در این مورد چیست؟

**ریشار:** البته بنده خیلی کم درس می‌دهم، اما وقتی که درباره نسخه‌های خطی فارسی درس می‌دهم چند تا نسخه در خانه دارم که آزمایش نشده است و از آن‌ها استفاده می‌کنم بله ما احتیاج به این نمونه نسخه‌ها داریم.

**جعفری مذهب:** یعنی ضرورت تأسیس جایی برای این کار؟

**ریشار:** یک بخش تحقیقات ما این است. الان آزمایش‌های شیمی خیلی پیشرفت کرده است اما مشکلات زیادی پیش می‌آید و اینکه به طور کلی نمی‌شود به افراد اجازه داد که بی‌حساب و کتاب وارد مخازن شوند و همه چیز را پاره کنند.

**جعفری مذهب:** نه اینکه پاره پاره کنند حتی الان وسایل شیمیایی طوری هست که به نسخه آسیب هم نمی‌زند.

**ریشار:** درست است. مثلاً ما یک دستگاه جدید در موزه لور پاریس دیدیم که هیچ آسیبی به رنگ و کاغذ نمی‌زند. البته موزه‌ها بیشتر دوست دارند آزمایش کنند. بتازگی یک گروه در



فرانسه با این دستگاه کار می‌کنند آن‌ها شروع به نگاه کردن به تصاویر و عناصر نسخه‌ها می‌کنند که به آن رزناس می‌گویند که هیچ آسیبی نمی‌زند. و اما برای ما کتابداران مسأله این است که تا چه حدی و برای چه هدفی این کار را می‌کنند. ما یک مسؤولیت حفظ و نگهداری و برنامه‌ریزی داریم. باید هدف‌ها را در نظر داشته باشیم که دانستن این آزمایش‌ها و فایده آن‌ها از نظر علمی چقدر می‌تواند باشد. شاید سال دیگر، بتوانیم همایشی درباره آزمایش در نسخه‌شناسی داشته باشیم.



**جعفری مذهب:** مقصودم از نسخه‌های آزمایشگاهی نسخه‌هایی است که دانشجویان پزشکی مثل اجساد بی‌هویت در سالن‌های تشریح بر آن‌ها کار می‌کنند. یعنی جزو موجودی کتابخانه نیستند و فقط به درد تشریح و آزمایش می‌خورند. اسمش را نیز گذاشتم نسخه‌های آزمایشگاهی.

**افکاری:** در مورد نسخه‌هایی که هویت ندارند این ادعا ممکن است پیش آید که شاید نسخه مهمی باشد که تا حالا شناخته باشیم و باز هم محدودیت استفاده بوجود می‌آورد.

**ریشار:** آقای جعفری مذهب خوب می‌داند چه در دست دارد و چه کتاب‌هایی است؟!

**جعفری مذهب:** من با آقای افشار صحبت کرده بودم. ایشان یک راه قانونی نشان دادند که این‌ها هم در کتابخانه باشند، هم جزو اموال دولتی نباشند. چون اموال دولتی را نمی‌توان از بین برد شما کتاب‌هایی را که دارید می‌توانید وقف کتابخانه بکنید خودتان هم متولی آن‌ها باشید تا وقتی که زنده‌اید بعد هم به کتابخانه ببخشید ولی مشکل اینجاست که وقتی کتاب‌ها را به کتابخانه ببخشید باز جزو اموال دولتی می‌شود و در مخزن ثبت می‌شود.

**افکاری:** یعنی بعضی از نسخه‌ها فقط به این منظور وقف بشود؟

**جعفری مذهب:** بله فقط به این منظور که تشریح شود این را بصورت مقاله نسخه‌های آزمایشگاهی بانظر آقای افشار نوشتیم که وقف پیشنهاد خوبی است.

**ریشار:** نتایج این آزمایش‌ها را به چه صورت و در کدام بخش وارد فهرست می‌کنید؟

**جعفری مذهب:** حالا آن یک بحث جداست. به نظر من استنباط‌های فهرست‌نویس متأسفانه در کار برگه‌ها گم می‌شود فهرست‌نویس مجبور می‌شود فقط چیزی را بنویسد که در آن فرم آمده و بتواند برایش دلیلی بیاورد. اگر بنده استنباط کنم این چند کتاب بی‌ربط باید از یک مجموعه آمده باشند فرم نسخ خطی برای این استنباط جایی ندارد. به نظر من آن چیزی که نه فقط یک فهرست بلکه هر نوشته‌ای را اهمیت می‌بخشد استنباط‌های نویسنده است نه استنادات او. اگر قرار باشد ما انجامه را بخوانیم و بگوییم اینجا نوشته ۷۳۳ بعد در کاربرگه بنویسید ۷۳۳، خوب این را شما هم اگر می‌خوانید متوجه می‌شوید. اگر من استنباط کردم که این مال قرن ۸ است یا ۷۳۳ است این است که ارزش دارد.

اما در کشور ما مثلاً روش پیکسی را فقط یک جا می‌تواند انجام دهد فقط سازمان انرژی اتمی ایران و این دستگاه‌ها را هر کسی نمی‌تواند داشته باشد. ما یک جمعی بودیم که زمانی خواستیم این کار را انجام دهیم. آن‌ها نسخه می‌خواستند و ما نمی‌توانستیم به آنجا برویم. من یک نسخه به آن‌ها دادم و گفتم برای امتحان به سازمان انرژی اتمی فرستاده شود. چون نتایجش هنوز منتشر نشده و فقط یک بخشی از این‌ها در مجله نامه بهارستان منتشر شده است. این روش‌های آزمایشگاهی کمک می‌کند که شما از رنگ، مرکب، چسب، نخ و کاغذ آگاه شوید. یعنی شما می‌توانید از روی نخ بفهمید که صحاف برای صحافی از چه نخ و چه نوع شیرازه‌ای استفاده کرده است. وقتی شما جنس جلد را نمی‌دانید، می‌نویسید جلدش فلان چیز است اما احتمالاً روش‌های شیمیایی می‌تواند به شما در مورد جنس و نوع چرم، حیوان، سن، اینکه مربوط به کدام حیوان و در کدام منطقه از ایران بوده است اطلاعات دقیقی بدهد. به شرط اینکه ما بپذیریم یا آن وسایل به مخزن راه پیدا کند - که این کار خیلی سخت است، زیرا بسیار گران هستند - یا مخزن‌دار اجازه بدهد که این‌ها از مخزن خارج بشود که بسیار سخت‌تر و حتی محال است.

**جعفری مذهب:**

به نظر من استنباط‌های

فهرست‌نویس متأسفانه

در کار برگه‌ها گم می‌شود

فهرست‌نویس مجبور

می‌شود فقط چیزی را

بنویسد که در آن فرم آمده

و بتواند برایش دلیلی بیاورد.

اگر بنده استنباط کنم این

چند کتاب بی‌ربط باید از

یک مجموعه آمده باشند

فرم نسخ خطی برای این

استنباط جایی ندارد. به نظر

من آن چیزی که نه فقط

یک فهرست بلکه هر

نوشته‌ای را اهمیت

می‌بخشد استنباط‌های

نویسنده است

نه استنادات او



تنها راهش این است که ما یک بخش ثالثی داشته باشیم که این بخش بدون داشتن مشکلات دولتی قابل استفاده برای شخص باشد و خروج کتابها برای فرد مشکل نباشد به دلیل ثبت در اموال دولتی و یک حالت راحت تر و بازتری داشته باشد که براحتی بتواند از آن بخش بصورت بخش واسط آزمایشگاه و مخزن استفاده کند. و البته نتایجش در اختیار مخزن و کتابخانه هم قرار می گیرد. پیشقدم هم خودم هستم و نسخه‌هایم را وقف کتابخانه ملی می‌کنم.

شما اگر به برخی بازارها مراجعه کرده باشید بعضی وقتها می‌بینید که یک کارتون کاغذ، خرده سند و قرآن را می‌توانید با چند هزار تومان بخرید. دستگاه دولتی همین چند هزار تومان را به شما نخواهد داد من حتی در مقاله پیشنهاد کرده‌ام که یکی از ردیف‌های چندم بودجه کشور اجازه می‌دهد که شما این نسخه‌ها را بعنوان جنس مصرفی بخرید. چون جنس مصرفی شماره ثبت نمی‌خورد. ما می‌توانیم این نسخه‌ها را از این طریق خریداری نماییم.

**افکاری:** در مورد برخی نسخه‌های مفقودی در کتابخانه‌های جهان چه نظریه‌ای وجود دارد؟ مثلاً نسخه‌هایی که احياناً از مجموعه مخزن به هر دلیلی و در هر دوره‌ای خارج شده و اکنون سرچایش نیست. چه باید کرد؟ وقتی شما در فهرست به آن شماره خاص می‌رسید چه باید بگویید؟

**ریشار:** اگر یک نسخه‌ای دزدیده شده. اگر توصیفی از آن داریم بهتر است چاپ کنیم بدون اینکه ذکر کنیم این نسخه در مخزن وجود دارد یا نه. وقتی که یک توصیف چاپ می‌کنید ممکن است این شانس را داشته باشیم که بعدها این نسخه در جایی پیدا شود.

**افکاری:** یعنی باید تصریح شود که الان این نسخه وجود ندارد؟  
**ریشار:** نه، چیزی نمی‌گوییم. فقط توصیف می‌کنیم که چند ورق دارد؟ اندازه‌اش چقدر است؟ و وقتی کسی آمد به او می‌گوییم که ممکن نیست که آن را در اختیار شما قرار دهیم. البته دروغ است.

**افکاری:** یعنی تا زمانی که مراجعه کننده بیاید و سراغ آن را بگیرد اطلاع خاصی ندهیم.  
**ریشار:** اگر این کار را نکنیم، موضوع رها می‌شود یعنی قبول می‌کنیم که دیگر نباشد.  
**افکاری:** اگر توصیفی از آن نداشته باشیم چه اتفاقی می‌افتد؟

**ریشار:** توصیف شماره خالی می‌ماند. به فرانسسه می‌گویند نیست یک مسأله دیگری هم وجود دارد که برخی از نسخه‌ها هستند که شماره دارند، اما مجاز نیستیم که تا چند سال در اختیار کسی قرار دهیم. مشکل این است که وقتی فهرست را می‌خواهیم چاپ کنیم نمی‌توانیم بگوییم این شماره نیست. پس به طور کلی یا شماره خالی می‌ماند یا شماره را نمی‌گذاریم مثلاً ۱۵۰ و ۱۵۲.

**افکاری:** سؤال من مشخصاً درباره محدودیت قانونی استفاده از برخی از نسخ خطی است. آیا قانونی در کتابخانه ملی فرانسسه وجود دارد که براساس آن، موضوع خاص یا کتاب منحصر را در اختیار مراجعه کننده قرار ندهند و یا در شرایط خاصی می‌توان از آن استفاده کرد؟ آیا چنین محدودیت‌هایی در دستورالعمل شرایط استفاده از بخش خطی وجود دارد؟

**ریشار:** در گذشته در کتابخانه‌های فرانسسه یک جایی به نام «جهنم» بوده.

**افکاری:** مثل یک مخزن مخصوص؟

**ریشار:** بله یک مخزن مخصوص که در آن همیشه بسته بوده و دارای کلید مخصوصی است و در آن کتاب‌هایی نگهداری می‌شد که به علت مسائل اخلاقی و تصاویر خاص قابل استفاده نیست و کتابداران نسخه‌ها را در آن جا گذاشته‌اند.

**جعفری مذهب:** آیا هیچ قانونی وجود ندارد که آن‌ها را از مخزن بیرون بیاورند؟

**ریشار:** نه هیچ قانونی! و سنت و عادت نبوده، قانونی نبوده است.

**افکاری:** یعنی اگر کسی می‌خواست در نقد و رد آن‌ها هم مطلبی بنویسد تحت هیچ شرایطی نمی‌توانست از آن‌ها استفاده کند؟



ریشار:

البته ما برای تزیینات و تذهیب به راهنمایی احتیاج داریم و باید فرم مخصوصی تهیه کنیم. امروزه با امکان استفاده از عکس‌های دیجیتال باید بتوانیم تصاویر خوب انتخاب کنیم و اصطلاحات هنری تدوین کنیم که هر کس بتواند آن را قبول کند. این دقت علمی باید همیشه هدف ما باشد



**ریشار:** جهنمی‌ها فهرست نمی‌شد.

**افکاری:** فهرست نمی‌شد؟ هیچ لیستی در دفتر ثبت وجود نداشت که مشخص کند این مخزن حاوی چه چیزهایی هست؟

**ریشار:** البته ثبت شده و شماره داشته است، ولی در هیچ فهرستی نیست. بعضی قدیمی‌ترها را حدود ۲۰ سال هست که فهرست کرده‌اند. ریاست کتابخانه‌ها تصمیم گرفته‌اند که دیگر نباید این محدودیت‌ها وجود داشته باشد. همه چیز باید باز باشد اما بعدها نتیجه این شد که چند جلد از این کتاب‌ها دزدیده شد.

**افکاری:** آیا بعد از تصمیمات جدید جهت سرویس دهی، این کتاب‌ها به مجموعه کتابخانه برگشتند؟

**ریشار:** بله بعداً به مجموعه برگشتند و فهرست نویسی شدند و مورد استفاده قرار گرفتند.  
**جعفری‌مذهب:** آیا سابقه‌اش به زمانی برمی‌گردد که کلیساها این کتاب‌ها را سانسور می‌کردند و به اصطلاح جزو کتب ضاله به حساب می‌آمدند؟

**ریشار:** خیر. این تصمیم خود کتابداران بوده است و این کتاب‌ها بیشتر دارای تصاویر غیراخلاقی بودند. تعدادی نسخ دیگری نیز بوده‌اند که مربوط به چیزهای خطرناک بوده که مثلاً در یک دوره زمانی کنار گذاشته شد. مثلاً در زمان جنگ یهودیان و غیره همان موضوع‌ها که برای زمانی خطرناکند.

**افکاری:** غیر از این موارد برای استفاده مراجعان مثلاً درباره نسخه‌های منحصر بفرد محدودیت خاصی هست؟

**ریشار:** ما متأسفانه به طور کلی وقتی که در کتابخانه‌ها کار می‌کنیم نمی‌دانیم که فلان کتاب منحصر بفرد است یا نه. تنها آن کتاب‌هایی را که تحت مجموعه مورد نظر و تسلط ماست می‌شناسیم. فقط برای نسخه‌های مصور محدودیت وجود دارد که جدا از سایر مخزن‌ها نگهداری می‌شود.

**افکاری:** یعنی نسخه‌های مصور را جدا نگه می‌دارید؟

**ریشار:** بله! بیشتر این‌ها در مخزن خاصی هستند که برای استفاده باید اجازه خاصی داشته باشند. مثلاً امضای رئیس بخش نسخه‌های خطی وجود داشته باشد و باید یک فرم خاصی پر کنند که چرا می‌خواهند از نسخه‌های مصور استفاده کنند؟

**افکاری:** ولی خوشبختانه اقدام بسیار خوبی که در کتابخانه ملی پاریس انجام شده این است که شما از نسخه‌های مصورتان یک آلبوم جداگانه عکسی سیاه و سفید تهیه کرده‌اید.

**ریشار:** بله، اما حالا مردم از آلبوم سیاه، سفید زیاد راضی نیستند و تهیه آلبوم دیجیتالی و میکروفیلم‌های رنگی نیز خیلی گران است.

**افکاری:** آیا مراجعان کتابخانه برای تهیه کپی از نسخه‌های خطی یا مصور محدودیتی دارند؟  
**ریشار:** هیچ محدودیتی ندارند. محدودیت‌ها بیشتر مربوط به مرمت و حفظ نسخه است. متأسفانه کنترل درخواست‌ها بسته به نظرات مسؤولان تالار فرق دارد.

**افکاری:** یعنی درخواست خود را بسته به کتابدار چک می‌کنند؟ مراجعه کننده‌های باهوشی دارید!  
**جعفری‌مذهب:** در مورد چاپ عکس در آخر فهرست چه نظری دارید؟ بعضی از فهرست‌هایی که در ایران چاپ می‌شود تنها عکسی از یک صفحه خطی انتخاب می‌کنند که نه اول متن است نه آخر متن و نه یادداشت خوبی دارد، معلوم نیست که از کدام بخش است.

**ریشار:** تصویر متن کتاب می‌بایست به درستی انتخاب شود که بار اطلاعاتی کافی داشته باشد مثلاً بهترین جای نسخه، امضا، یادداشت، مهر، نه اینکه هر عکسی از هر نسخه که انتخاب شد چاپ بشود. این کار ذوق هنری و زحمت می‌خواهد. پس بهتر است با گزینش از بهترین اطلاعات نسخه انتخاب شود و نمونه‌ای جالب برای خواننده باشد.

**افکاری:** از فرصتی که برای انجام این گفت‌وگو در اختیارمان گذاشتید، بسیار سپاس گزارم.  
**ریشار:** بنده هم از شما و همکاران محترمتان تشکر می‌کنم.

